



A strategic model for advancing a people-based economy: translating macro policy into practice through structural modeling of key drivers

Mohammad Mehdi Namdar Joybari¹, Saeid Rezaei², and Tayebey Abasi³

1. PhD student, Department of Public Policy and Administration, School of Public Administration and Organizational Sciences, Tehran Colleges, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.namdarjoybari@ut.ac.ir
2. Corresponding author, Assistant Professor, Department of Industrial and Systems Engineering, Faculty of Engineering, University of Arak, Arak, Iran. Email: s-rezaei@araku.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Public Policy and Administration, School of Public Administration and Organizational Sciences, Tehran Colleges, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: t.abbasi@ut.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 20 October 2024
Received in revised form 20
December 2024
Accepted 6 January 2025
Available online 25 March
2025

Keywords:

Economic democratization,
Participatory Economy,
People-centered Economy,
Scoping Review,
Interpretive Structural Modeling

ABSTRACT

This study develops a hierarchical strategic model for advancing a people-centered economy in Iran and for translating the macro-policy of economic democratization into actionable policy directions. To achieve this objective, the research employed a two-stage design. First, a scoping review was conducted to identify the major strategies discussed in the domestic and international literature. Second, Interpretive Structural Modeling, complemented by Mutual Influence Matrix by Cross-impact Analysis, was used to examine the interrelationships, driving power, and dependency patterns among the identified strategies. The findings indicate that the strategies are organized in a seven-level hierarchy. Among them, digital infrastructure development, the establishment of legal and institutional platforms for public participation, and the expansion of crowdfunding mechanisms constitute the most influential foundational drivers. These drivers facilitate the realization of other strategies, including participatory budgeting, skill-oriented training, support for local production, and broader citizen engagement in economic processes. The study contributes to public policy and public administration literature by offering an operational and context-sensitive framework for prioritizing policy interventions aimed at economic democratization in Iran. From a practical perspective, the proposed model can assist policymakers and public managers in allocating resources more effectively and in designing more coherent participation-oriented economic policies. Nevertheless, the findings should be interpreted in light of the study's context-specific focus on Iran and the limited availability of comprehensive empirical data.

Cite this article: Namdar Joybari, Mohammad Mehdi., Rezaei, Saeid., & Abasi, Tayebey. (2025). A strategic model for advancing a people-based economy: translating macro policy into practice through structural modeling of key drivers. *Interdisciplinary Studies in Economics*, 59 (X), 1-20. <http://doi.org/00000000000000000000>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <http://doi.org/000000000000000000000000>

Publisher: University of Qom.

الگوی راهبردی تحقق اقتصاد مردم‌بنیان: تحقق خط‌مشی کلان و مدل‌سازی تعاملات ساختاری

پیش‌را‌ها

محمد مهدی نامدار جویباری^۱، سعید رضائی^۲، و طیبه عباسی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: m.namdarjoybari@ut.ac.ir
۲. نویسنده مسئول، استادیار، گروه مهندسی صنایع و سیستم‌ها، دانشکده مهندسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. رایانامه: s-rezaei@araku.ac.ir
۳. دانشیار، گروه خط‌مشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان تهران، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: t.abbasi@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

اقتصاد ایران، تحت تأثیر چالش‌های ساختاری و نهادی، با بحران‌هایی مواجه شده که ضرورت گذار به اقتصاد مردم‌بنیان را بیش از پیش نمایان ساخته است. این موضوع در بسیاری از کشورها نیز مورد توجه قرار گرفته است. هدف این پژوهش، شناسایی استراتژی‌های تحقق مردمی‌سازی اقتصاد و تحلیل تعاملات پیچیده میان اجزای آن در چارچوبی ساختاریافته و نظام‌مند است. بدین منظور، ابتدا با استفاده از روش گستره‌پژوهشی، راهکارهای کلیدی از ادبیات موجود استخراج و سپس با بهره‌گیری از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط میان این راهکارها مدل‌سازی و سطوح نفوذ و وابستگی آن‌ها مشخص شد. این چارچوب به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد تا با اولویت‌بندی راهکارها و تخصیص بهینه منابع به عوامل تأثیرگذار، کارایی را به حداکثر برسانند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، فراهم‌سازی بستر قانونی برای مشارکت مردم، و بهره‌گیری از انواع تأمین مالی جمعی^۶ از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تحقق خط‌مشی کلان مردمی‌سازی اقتصاد هستند. تمرکز سیاست‌گذاران بر این راهبردها می‌تواند به صورت غیرمستقیم تحقق سایر عوامل را تسهیل کرده و بهره‌وری منابع موجود را در راستای این هدف کلان ارتقا دهد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

مردمی‌سازی اقتصاد^۱،

اقتصاد مشارکتی^۲،

اقتصاد مردم‌پایه^۳،

مرور اسکوپینگ^۴،

مدل‌سازی ساختاری تفسیری^۵.

استناد: نامدار جویباری، محمد مهدی؛ رضائی، سعید؛ و عباسی، طیبه (۱۴۰۵). الگوی راهبردی تحقق اقتصاد مردم‌بنیان: تحقق خط‌مشی کلان و مدل‌سازی تعاملات ساختاری پیش‌را‌ها. *مطالعات بین‌رشته‌ای اقتصاد*، ۵۹ (۴)، ۲۰-۱.

<http://doi.org/0000000000000000000000000000000000>



© نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه قم.

¹ Economic Democratization

² Participatory Economy

³ People-centered Economy / People-based Economy

⁴ Scoping Review

⁵ Interpretive Structural Modeling (ISM)

⁶ Crowdfunding

مقدمه

اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته با چالش‌های متعددی نظیر تورم فزاینده، وابستگی به درآمدهای نفتی و... مواجه بوده است (رستگاری^۱ و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان، شعار سال ۲۰۲۵ از سوی رهبر معظم انقلاب با عنوان "جهش تولید با مشارکت مردمی" اعلام شد که ماهیتی اقتصادی و مشارکتی دارد و بر نقش محوری مردم در پیشرفت کشور تأکید می‌کند. مفهوم اقتصاد مردمی، که یکی از اصول کلیدی در اندیشه‌های رهبر انقلاب بوده، به‌عنوان نقشه راهی برای برون‌رفت از این چالش‌ها و دستیابی به رونق اقتصادی، افزایش اشتغال، و توزیع عادلانه‌تر ثروت مطرح است (درخشان^۲، ۱۴۰۲؛ پاینده^۳ و همکاران، ۱۴۰۳؛ لاجوردی^۴ و همکاران، ۲۰۱؛ حسینی^۵ و همکاران، ۲۰۲۶).

در ادبیات موجود، تعاریف مختلفی از مردمی‌سازی اقتصاد ارائه شده است. بانک جهانی آن را فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای مشارکت همه افراد در فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از منافع آن تعریف می‌کند (بانک جهانی^۶، ۲۰۲۰)، در حالی که در برخی اسناد و صورت‌بندی‌های سیاستی داخلی، مردمی‌سازی اقتصاد با تقویت بخش خصوصی و تعاونی‌ها^۷، کاهش تصدی‌گری دولت و فراهم‌سازی زمینه مشارکت اقتصادی مردم پیوند داده شده است (وزارت امور اقتصادی و دارایی^۸، ۱۴۰۱). حسنی و حسینی^۹ (۲۰۱۶) نیز بر حضور آگاهانه و فعال آحاد جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، و اقدام اقتصادی تأکید دارند. این تعاریف نشان‌دهنده اجماع بر ضرورت افزایش نقش مردم و کاهش وابستگی به ساختارهای دولتی است که با اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم‌راستاست. این اصل، نظام اقتصادی کشور را بر سه بخش دولتی، تعاونی، و خصوصی استوار می‌داند و مردمی‌سازی را گامی عملی در راستای تحقق آن معرفی می‌کند.

با این حال، آمارها حاکی از شکاف عمیق میان اهداف مردمی‌سازی و واقعیت موجود است. سهم بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی ایران تنها حدود ۳۰ درصد است (مرکز پژوهش‌های مجلس^{۱۰}، ۱۴۰۱). در حالی که در اقتصادهای رقابتی این رقم به بیش از ۷۰ درصد می‌رسد (لیپسکی و چانگانی^{۱۱}، ۲۰۲۴). همچنین، تنها ۸ درصد از جمعیت فعال کشور در بخش تعاونی مشارکت دارند (اتاق تعاون ایران^{۱۲}، ۱۴۰۰). نظرسنجی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا^{۱۳}، ۱۴۰۱) نشان می‌دهد که ۷۴ درصد از شهروندان به دلیل نبود شفافیت در قوانین، فساد مالی، و محدودیت دسترسی به منابع، تمایلی به فعالیت اقتصادی غیردولتی ندارند (مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران^{۱۴}، ۱۴۰۱). این وضعیت، همراه با موانعی نظیر ضعف فرهنگ مشارکت، سلطه نهادهای دولتی بر منابع کلیدی، و مقاومت ذی‌نفعان دولتی، تحقق مردمی‌سازی اقتصاد را با چالش مواجه کرده است (مهدوی‌سیرت^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۵؛ حسنی و حسینی، ۲۰۱۶؛ درخشان، ۲۰۲۳؛ باقری^{۱۶} و همکاران، ۱۴۰۰؛ سهیلی و نفیسی‌مقدم^{۱۷}، ۲۰۲۵).

¹ Rastegari

² Derakhshan

³ Payandeh

⁴ Lajvardi

⁵ Hosseini

⁶ World Bank

⁷ Cooperatives

⁸ Ministry of Economic Affairs and Finance

⁹ Hassani & Hosseini

¹⁰ Majles Research Center

¹¹ Lipsky & Changani

¹² Cooperative Organization of Iran

¹³ ISPA

¹⁴ Iran Students' Polling Center

¹⁵ Mahdavi-Sirat

¹⁶ Bagheri

¹⁷ Soheili & Nafisi Moghadam

پژوهش‌های پیشین نیز این موانع را تأیید می‌کنند. برای نمونه، کریمی^۱ (۱۴۰۰) ناآگاهی عمومی از حقوق اقتصادی را مانعی فرهنگی می‌داند، در حالی که اسمیت و براون^۲ (۲۰۲۱) ضعف زیرساخت‌های اطلاعاتی را از چالش‌های اصلی مشارکت مردم در ایران معرفی می‌کنند. پیامدهای این وضعیت شامل افزایش نابرابری (ضریب جینی از ۰,۳۷ در سال ۲۰۱۶ به ۰,۴۳ در سال ۲۰۲۲)، کاهش تاب‌آوری اقتصادی در برابر تحریم‌ها، و فرار سرمایه (۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱) (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱) است. این شرایط، ضرورت شتاب‌بخشی به مردمی‌سازی اقتصاد را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در این راستا، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است: "راهکارهای تحقق خطمشی مردمی‌سازی اقتصاد چیست و چگونه می‌توان این راهکارها را بر اساس تأثیرگذاری در دستیابی به این هدف کلان اولویت‌بندی کرد؟" برای این منظور، ابتدا با استفاده از روش گستره‌پژوهشی، راهکارهای موجود در ادبیات شناسایی شده و سپس با بهره‌گیری از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تعاملات و اولویت‌بندی این راهکارها بررسی می‌شود. این مطالعه تلاش دارد با ارائه چارچوبی منسجم، خلأهای موجود در ادبیات را پر کرده و راهنمایی عملی برای سیاست‌گذاری در ایران فراهم آورد.

پیشینه پژوهش

مردمی‌سازی اقتصاد به‌عنوان یک خطمشی کلان، راهبردی برای کاهش تصدی‌گری دولت، تقویت مشارکت فعال آحاد جامعه در فرآیندهای اقتصادی، و تحقق توسعه پایدار و عادلانه است. با وجود پتانسیل بالای مردمی‌سازی برای کاهش نابرابری‌ها، افزایش شفافیت، و تقویت شمول اجتماعی، شکاف عمیق میان اهداف نظری این سیاست و واقعیت‌های اجرایی آن در ایران مشهود است. این شکاف، که ریشه در تسلط دولت بر اقتصاد، ضعف زیرساخت‌های مشارکتی، و موانع فرهنگی-اجتماعی دارد، ضرورت بازنگری چارچوب‌های نظری و عملی را برجسته می‌کند. این مرور ادبیات با هدف ارائه چارچوبی جامع، ابعاد نظری، مفاهیم مکمل و چالش‌های مردمی‌سازی اقتصاد را بررسی می‌کند.

مبانی نظری، مفاهیم مکمل و سازوکارهای عملی مردمی‌سازی اقتصاد

مردمی‌سازی اقتصاد مفهومی چندلایه است که هم‌زمان در سطح نظری به بازتعریف نقش دولت، بازار و جامعه و در سطح عملی به طراحی سازوکارهای مشارکت‌جویانه برای حضور فعال شهروندان در فرایندهای اقتصادی مربوط می‌شود. از این رو، برای پرهیز از پراکندگی مفهومی، مبانی نظری، مفاهیم مکمل و سازوکارهای عملی مرتبط با آن به‌صورت یکپارچه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مردمی‌سازی اقتصاد بر مشارکت آگاهانه، داوطلبانه و فعال آحاد جامعه در فرایندهای تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرای فعالیت‌های اقتصادی تأکید دارد. این مفهوم به دلیل ظرفیت آن در کاهش نابرابری‌ها، تقویت شفافیت و ایجاد توسعه پایدار، در دهه‌های اخیر مورد توجه فزاینده قرار گرفته است (درخشان، ۱۴۰۳). بانک جهانی مردمی‌سازی را فراهم‌سازی فرصت‌های برابر برای همه افراد جهت مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی از منافع آن تعریف کرده و آن را ابزاری برای تحقق شمول اجتماعی می‌داند (بانک جهانی، ۲۰۲۰). در ایران نیز وزارت امور اقتصادی و دارایی این مفهوم را با توسعه بخش خصوصی و تعاونی و کاهش تصدی‌گری دولت مرتبط می‌داند. حسنی و حسینی (۲۰۱۶) مردمی‌سازی را حضور فعال گروه‌های مختلف جامعه در سه ساحت تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اقدام اقتصادی توصیف کرده و بر نقش آگاهی و اراده جمعی تأکید دارند. همچنین درخشان (۱۴۰۲) با توسعه این تعریف، تمامی آحاد جامعه اعم از گروه‌های سنی، جنسیتی، قومی و شغلی را در درون مفهوم "مردم" قرار داده و بر شمول اجتماعی به‌عنوان هسته مرکزی مردمی‌سازی تأکید می‌کند.

¹ Karimi

² Smith & Brown

مطالعه مرور نظام‌مند ارشدی و نعمتی^۱ (۱۴۰۳) نشان می‌دهد که تعاریف مردمی‌سازی اقتصاد را می‌توان از منظر اهداف، نتایج مورد انتظار، فرایندها و ساختارها طبقه‌بندی کرد. از این منظر، اهدافی همچون عدالت اجتماعی، افزایش کارایی و رفع تعارض منافع، نتایجی نظیر کاهش انحصار، افزایش رقابت و توزیع عادلانه ثروت، فرایندهایی مبتنی بر مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا و ساختارهایی مبتنی بر تنوع مالکیت، توسعه بخش خصوصی و تقویت بخش تعاونی در کانون توجه قرار دارند. این مطالعه همچنین موانع اصلی مردمی‌سازی اقتصاد را در چهار دسته فرهنگی - اجتماعی، نهادی - قانونی، اقتصادی - ساختاری و سیاسی - حکمرانی طبقه‌بندی می‌کند که شامل ضعف فرهنگ مشارکت، کمبود اعتماد اجتماعی، پیچیدگی قوانین، ضعف ساختارهای حمایتی، تسلط دولت، محدودیت دسترسی به منابع مالی، مقاومت ذی‌نفعان دولتی و فساد است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات بین‌المللی نیز هم‌راستاست و نشان می‌دهد چالش‌های مردمی‌سازی در ایران شباهت‌های قابل توجهی با سایر اقتصادهای در حال توسعه دارد (تکسیرا^۲ و همکاران، ۲۰۲۱؛ یوتینگ^۳، ۲۰۱۷).

در ادبیات بین‌المللی، مفاهیم متعددی به‌عنوان پشتوانه نظری مردمی‌سازی اقتصاد مطرح شده‌اند که هر یک بخشی از ابعاد این مفهوم را توضیح می‌دهند. مفهوم دموکراتیزه‌سازی اقتصادی بر گسترش حقوق و قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی به تمامی شهروندان تأکید داشته و به انتقال کنترل از ساختارهای متمرکز دولتی یا سرمایه‌داری به افراد و جوامع محلی اشاره می‌کند (دهل^۴، ۱۹۸۵؛ اسچووییکارت^۵، ۲۰۱۱). این رویکرد مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی، مالکیت جمعی منابع تولید و کنترل دموکراتیک بر بنگاه‌های اقتصادی را مورد توجه قرار می‌دهد (معصومی‌نیا^۶، ۱۴۰۴). مفهوم اقتصاد مردم‌محور یا اقتصاد مردم‌بنیاد نیز بر قرار دادن نیازها، منافع و رفاه مردم در مرکز سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تأکید دارد و مردم را نه تنها ذی‌نفعان، بلکه عاملان و تصمیم‌گیرندگان اصلی فرایندهای اقتصادی می‌داند (کورتن^۷، ۲۰۱۵؛ آسپالتر^۸، ۲۰۰۶). در همین راستا، اقتصاد مدنی بر نقش نهادهای مدنی، اعتماد اجتماعی و روابط متقابل در فعالیتهای اقتصادی تأکید می‌کند (برونی و زاماگنی^۹، ۲۰۰۷). اقتصاد جامعه‌محور یا مردم‌نهاد بر فعالیتهای اقتصادی محلی، کوچک‌مقیاس و مبتنی بر جوامع تأکید دارد که توسط خود مردم آغاز و مدیریت می‌شوند (ماتی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). همچنین، رویکرد ثروت‌سازی جامعه‌محور بر ایجاد ثروت محلی از طریق مالکیت دموکراتیک، توسعه تعاونی‌ها و سرمایه‌گذاری در جوامع محلی برای جلوگیری از خروج سرمایه متمرکز دارد (کیلی و مک‌کینلی^{۱۱}، ۲۰۱۵؛ دموکراسی مشارکتی^{۱۲}، ۲۰۲۶).

از سوی دیگر، برخی مفاهیم مکمل ارتباط نزدیکی با مردمی‌سازی اقتصاد دارند و درک ابعاد اجرایی آن را تسهیل می‌کنند. اقتصاد مشارکتی یکی از این مفاهیم است که توسط آلبرت و هانل^{۱۳} (۱۹۹۱) به‌عنوان نظامی مبتنی بر شوراهای کارگری و مصرف‌کنندگان، برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و تصمیم‌گیری دموکراتیک معرفی شده است. در این رویکرد، کارگران و مصرف‌کنندگان به‌صورت مستقیم در مدیریت اقتصادی مشارکت دارند (هانل، ۲۰۲۲). همچنین مندیئا-آراگون^{۱۴} و همکاران (۲۰۲۵) اقتصاد مشارکتی را چارچوبی برای دموکراتیزه کردن فرایندهای اقتصادی از طریق مدیریت غیرمتمرکز و مشارکت مستقیم افراد می‌دانند.

¹ Arshadi & Namati

² Teixeira

³ Utting

⁴ Dahl

⁵ Schweickart

⁶ Masoumi-Nia

⁷ Korten

⁸ Aspalter

⁹ Bruni & Zamagni

¹⁰ Mathie

¹¹ Kelly & McKinley

¹² Democracy Collaborative

¹³ Albert & Hahnel

¹⁴ Mendieta-Aragón

این رویکرد با هدف کاهش وابستگی به ساختارهای متمرکز دولتی و تقویت مشارکت عمومی هم‌راستا است (پیغامی^۱، ۱۳۹۳). راسل^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز اقتصاد مشارکتی را ابزاری برای افزایش شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌گذاری عمومی دانسته و معتقدند که در کشورهای در حال توسعه می‌تواند از طریق تقویت نهادهای محلی، مشارکت اقتصادی را بهبود بخشد.

اقتصاد همبستگی‌گرا نیز از دیگر مفاهیم مکمل مردمی‌سازی اقتصاد است که بر همکاری، مالکیت جمعی و اشکال اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی تأکید دارد (میلر^۳، ۲۰۱۰؛ کاوانو^۴ و همکاران، ۲۰۱۰؛ عیسوی^۵، ۲۰۲۶). گومز^۶ (۲۰۱۳) این رویکرد را بستری برای بازآفرینی فرصت‌های اقتصادی برای گروه‌های حاشیه‌نشین دانسته و تعاونی‌ها را یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق شمول اقتصادی معرفی می‌کند. این دیدگاه با تأکید سیاست‌های اقتصادی ایران بر توسعه بخش تعاونی در چارچوب اصل ۴۴ قانون اساسی هم‌خوانی دارد (حیدری و درخشان^۷، ۱۴۰۳؛ تنهایی‌مقدم^۸، ۱۴۰۴). همچنین ون گرونیخن^۹ و همکاران (۲۰۱۵) اقتصاد انسانی‌محور را چارچوبی برای تقویت برابری و همبستگی اجتماعی دانسته و بر نقش تعاونی‌ها در ایجاد فرصت‌های برابر تأکید می‌کنند.

در کنار این مفاهیم، مدیریت جمعی منابع نیز یکی از بنیان‌های نظری و عملی مردمی‌سازی اقتصاد محسوب می‌شود. استروم^{۱۰} (۱۹۹۰) نشان داده است که جوامع محلی می‌توانند از طریق مدیریت مشارکتی منابع مشترک، پایداری و کارایی بیشتری ایجاد کنند. این ایده با مردمی‌سازی اقتصاد در ایران ارتباط نزدیکی دارد؛ زیرا بر نقش جوامع محلی در بهره‌برداری بهینه از منابع و کاهش وابستگی به دولت دلالت می‌کند (راموس گونزالس^{۱۱}، ۲۰۱۱). برای مثال، مدیریت مشارکتی منابع آب در مناطق روستایی می‌تواند نمونه‌ای از به‌کارگیری این رویکرد در عمل باشد. همچنین اقتصاد مسئولانه بر نقش مصرف‌کنندگان در سیاست‌گذاری عمومی و ارتقای شفافیت و پاسخگویی تأکید می‌کند (آندره و مولر^{۱۲}، ۲۰۲۲). این مفهوم با ترویج فرهنگ مشارکت عمومی و حمایت از تولید داخلی^{۱۳} در ایران هم‌راستا است (عباسی‌نژاد^{۱۴}، ۱۴۰۲). در سطحی کلان‌تر، اقتصاد پایدار نیز مردمی‌سازی اقتصاد را در پیوند با کاهش نابرابری، حفظ منابع و توسعه پایدار تبیین می‌کند (سازمان ملل^{۱۵}، ۲۰۱۵). جانسون^{۱۶} (۲۰۲۲) اقتصاد مردم‌محور را رویکردی می‌داند که از طریق توانمندسازی جامعه، پایداری اقتصادی را تقویت می‌کند.

با جمع‌بندی مباحث فوق می‌توان مردمی‌سازی اقتصاد را فرایندی چندبعدی دانست که در آن قدرت، مالکیت، کنترل و تصمیم‌گیری اقتصادی از ساختارهای متمرکز دولتی و انحصارات خصوصی به سمت مشارکت گسترده‌تر شهروندان، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و تعاونی سوق داده می‌شود. این فرایند دارای ابعاد سیاسی - نهادی، مالکیتی - ساختاری، فرایندی - مشارکتی، توزیعی - عدالت‌محور و توانمندسازانه است (دهل، ۱۹۸۵؛ بانک جهانی، ۲۰۲۰؛ ماتی، ۲۰۱۷). از این‌رو، مردمی‌سازی اقتصاد صرفاً به خصوصی‌سازی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم تحول در روابط قدرت، ساختارهای مالکیت و سازوکارهای حکمرانی اقتصادی

¹ Peighami

² Russell

³ Miller

⁴ Kawano

⁵ Eisavi

⁶ Gomez

⁷ Heydari & Derakhshan

⁸ Tanhaei Moghadam

⁹ Van Groenigen

¹⁰ Ostrom

¹¹ Ramos Gonzalez

¹² Andre & Muller

¹³ Support for Local Production

¹⁴ Abbasi-Nejad

¹⁵ United Nations

¹⁶ Johnson

است (زریباف^۱، ۱۳۹۶). در این چارچوب، بازتعریف نقش دولت از "تصدی‌گر" به "تسهیل‌گر و تنظیم‌گر" یکی از پیش‌نیازهای اساسی تحقق مردمی‌سازی اقتصاد به شمار می‌رود (میسلی^۲ و همکاران، ۲۰۲۳؛ ماتسوگلو^۳، ۲۰۲۴؛ درخشان، ۱۴۰۲). همزمان، راهکارهایی نظیر تقویت تعاونی‌ها، توسعه نهادهای محلی، بهره‌گیری از سازوکارهای مشارکت عمومی، تأمین مالی جمعی، حمایت از تولید محلی و استفاده از فناوری‌های نوین برای تسهیل مشارکت شهروندان می‌توانند زمینه تحقق عملی این رویکرد را فراهم سازند. با وجود این، مرور ادبیات نشان می‌دهد که بخش عمده مطالعات پیشین بر تبیین مفهومی یا بررسی ابعاد منفرد مردمی‌سازی اقتصاد متمرکز بوده‌اند و کمتر پژوهشی به شناسایی نظام‌مند عوامل مؤثر بر آن و تحلیل روابط ساختاری میان این عوامل پرداخته است. از این‌رو، خلأ یک چارچوب جامع برای تبیین و اولویت‌بندی پیشران‌ها، موانع و سازوکارهای تحقق مردمی‌سازی اقتصاد همچنان احساس می‌شود؛ خلأیی که پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آن است.

مطالعات جامع داخلی و تجارب عملی

در سال‌های اخیر، مجموعه‌های جامع مقالات و کتب تخصصی در حوزه مردمی‌سازی اقتصاد در ایران منتشر شده‌اند که به تعمیق فهم نظری و ارائه راهکارهای عملی پرداخته‌اند. در این راستا، توحیدی‌نیا^۴ (۱۴۰۳) در دو جلد "اقتصاد مردم‌بنیان اسلامی" به تبیین مبانی نظری و کاربردی این مفهوم پرداخته است. جلد اول بر مبانی فلسفی، فقهی و اقتصادی اقتصاد مردم‌بنیان از منظر اسلامی تمرکز دارد و نقش دین را در تقویت همکاری‌های اقتصادی و رفع شکست‌های بازار و دولت مورد بحث قرار می‌دهد (حسینی‌فرد^۵ و همکاران، ۱۴۰۳). جلد دوم به مباحث کاربردی و تحلیل اقتصاد ایران می‌پردازد و راهکارهایی نظیر توسعه مدل‌های کسب‌وکار مردم‌محور، نقش وقف در اقتصاد بخش سوم (جهانیان^۶، ۱۳۹۶) و سازوکارهای مشارکت مردمی در صنایع مختلف (سعیدی^۷، ۱۴۰۳) را ارائه می‌دهد. نکته کلیدی این مجموعه، تأکید بر نهاد اجتماع به‌عنوان سازمان‌دهی اقتصادی فراتر از دوگانه بازار و دولت است. حسینی‌فرد و همکاران (۱۴۰۳) استدلال می‌کنند که نهادهای مبتنی بر اجتماع (مانند تعاونی‌ها، صندوق‌های قرض‌الحسنه، و نهادهای خیریه) می‌توانند به‌عنوان مکانیسم سومی در کنار بازار و دولت، کارایی اقتصادی را بهبود بخشیده و عدالت اجتماعی را تقویت کنند. این دیدگاه با نظریه‌های اقتصاد مدنی (برونی و زاماگنی، ۲۰۰۷) و اقتصاد همبستگی (میلر، ۲۰۱۰) همخوانی دارد.

حسینی و حسینی (۲۰۱۶) در دو جلد "امام، مردم، اقتصاد" به تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی (ره) پرداخته‌اند. این مجموعه بر سه ساحت کلیدی تأکید دارد؛ تصمیم‌گیری (حق مشارکت مردم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی)، تصمیم‌سازی (نقش مردم در طراحی و تدوین خط‌مشی‌ها) و اقدام (مشارکت فعال در اجرا و نظارت). این چارچوب سه‌بعدی برای اولین بار به صورت نظام‌مند مفهوم مشارکت مردمی در اقتصاد را عملیاتی کرد (حسینی و سلیمانی^۸، ۱۳۹۸). علاوه بر این، حسینی و حسینی (۲۰۱۶) بر نقش بیداری و خودباوری ملی به‌عنوان پیش‌نیازهای فرهنگی مردمی‌سازی تأکید می‌کنند. آن‌ها استدلال می‌کنند که بدون تغییر در فرهنگ اقتصادی جامعه و ایجاد اعتماد به توانایی‌های داخلی، هیچ سیاست مردمی‌سازی

¹ Zaribaf

² Misley

³ Matsuglo

⁴ Tohidi-Nia

⁵ Hosseini-Fard

⁶ Jahaniyan

⁷ Saeidi

⁸ Hosseini & Soleimani

- نمی‌تواند موفق باشد (حسینی و محبی^۱، ۱۳۹۷). این دیدگاه با تأکید تحقیقات جدید بر سرمایه اجتماعی و فرهنگ مشارکت هم‌راستاست (حیدرخانی^۲ و همکاران، ۱۳۹۶).
- ارشدی و تنهایی‌مقدم^۳ (۱۴۰۳) مجموعه‌ای جامع از مقالات همایش ملی مردمی‌سازی اقتصاد و اقتصاد مقاومتی را گردآوری کرده‌اند که شامل ۲۰ مقاله در حوزه‌های مختلف است. این مجموعه راهکارهای عملی متعددی ارائه می‌دهد:
- مکانیسم‌های انگیزشی: حیدری و درخشان (۱۴۰۳) به بررسی ابزارهای تشویقی (مالیاتی، اعتباری، آموزشی) برای جذب مردم به فعالیت‌های اقتصادی پرداخته‌اند.
 - مردمی‌سازی بخشی: مقالات متعدد به امکان‌سنجی مردمی‌سازی در صنایع خاص مانند نفت (سعیدی، ۱۴۰۳)، خودرو (مهدوی‌سیرت^۴ و همکاران، ۲۰۲۵)، انرژی‌های تجدیدپذیر (زبیحی^۵ و همکاران، ۱۴۰۳) و حتی خدمات قضائی (داوودی^۶، ۱۴۰۳) پرداخته‌اند.
 - تجارب بین‌المللی: رزمی و درتومی^۷ (۱۴۰۳) حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار داده و الگوهای برای ایران پیشنهاد کرده‌اند.
 - توسعه روستایی مردم‌محور: ظهوریان^۸ (۱۴۰۳) الگوی پیشرفت روستایی مبتنی بر تجربه جهاد سازندگی را طراحی کرده که نشان می‌دهد چگونه مشارکت مردمی می‌تواند در سطح محلی به توسعه پایدار منجر شود.
 - ارتباط با اردولیبیرالسم: سید حسین‌زاده و حسینی^۹ (۱۴۰۳) و تنهایی‌مقدم (۱۴۰۴) دلالت‌های مکتب اردولیبیرالسم آلمانی را برای مردمی‌سازی اقتصاد ایران تحلیل کرده و نشان داده‌اند که چگونه دولت می‌تواند نقش تنظیم‌گر و تسهیل‌کننده را ایفا کند (برخلاف نقش تصدی‌گر).
- علاوه بر مجموعه‌های فوق، مطالعات دیگری نیز به جنبه‌های خاص مردمی‌سازی پرداخته‌اند:
- حکمرانی مردمی: اسماعیل‌پور^{۱۰} و همکاران (۱۴۰۲) و شیخی^{۱۱} (۱۴۰۲) به موانع و راهکارهای حکمرانی مردم‌محور پرداخته‌اند.
 - نقش بخش سوم اقتصاد: درخشان و نصراللهی^{۱۲} (۱۳۹۴) تأثیر بخش سوم (تعاونی‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد) بر شاخص‌های اقتصادی را تحلیل کرده‌اند.
 - تعاونی‌ها: عبدی و کوهان‌هوش‌نژاد^{۱۳} (۲۰۱۶) و سپهردوست و زمانی شبخانه^{۱۴} (۱۳۹۴) نقش تعاونی‌ها در ایجاد انگیزه‌های مشارکتی و تحقق اقتصاد مقاومتی را بررسی کرده‌اند.
 - مدل‌های کسب‌وکار: پیشوایی^{۱۵} و همکاران (۱۳۹۶) انواع مدل‌های کسب‌وکار مردم‌محور را طبقه‌بندی و تحلیل کرده‌اند.

¹ Hosseini & Mohabi

² Heydarkhani

³ Arshadi & Tanhaei Moghadam

⁴ Mahdavi Sirat

⁵ Zabihi

⁶ Davoodi

⁷ Razmi & Dertoumi

⁸ Zohourian

⁹ Seyed-Hosseini-zadeh & Hosseini

¹⁰ Esmailpour

¹¹ Sheikhi

¹² Derakhshan & Nasrollahi

¹³ Abdi & Kohan-Housh-Nazad

¹⁴ Sepehr-Doost & Zamani Shabkhaneh

¹⁵ Pishvaei

این مطالعات جامع نشان می‌دهند که ادبیات داخلی مردمی‌سازی به غنای قابل توجهی رسیده و راهکارهای عملی متنوعی ارائه شده است. با این حال، همان‌طور که ارشادی و نعمتی (۱۴۰۳) اشاره کرده‌اند، هنوز شکاف‌هایی در مدل‌سازی کمی، ارزیابی تأثیر سیاست‌ها و اولویت‌بندی راهکارها وجود دارد که پژوهش حاضر با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری به رفع آن می‌پردازد.

چالش‌ها، موانع اجرایی و شکاف‌های پژوهشی

با وجود ظرفیت‌های نظری و عملی مردمی‌سازی اقتصاد، چالش‌های متعددی مانع تحقق آن در ایران شده‌اند. نخست، تسلط دولت بر اقتصاد و سهم پایین بخش خصوصی واقعی (حدود ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی) شکاف عمیقی میان اهداف مردمی‌سازی و واقعیت موجود ایجاد کرده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۱). این تسلط، همراه با وابستگی به درآمدهای نفتی و ناکارآمدی‌های ساختاری، مشارکت جامعه را محدود کرده است. دوم، موانع نهادی و قانونی، مانند کمبود زیرساخت‌های حقوقی برای حمایت از تعاونی‌ها و کسب‌وکارهای کوچک، مانع از توسعه بخش خصوصی شده‌اند (حیدری و درخشان، ۱۳۹۵). سوم، موانع فرهنگی-اجتماعی، مانند کمبود اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و ضعف فرهنگ مشارکت، چالش‌های دیگری ایجاد کرده‌اند (عباسی‌نژاد، ۱۴۰۲).

از منظر پژوهشی، ادبیات موجود کمتر چارچوبی جامع برای اولویت‌بندی راهکارهای مردمی‌سازی در بستر ایران ارائه کرده است. بیشتر مطالعات بر جنبه‌های نظری یا موردی تمرکز دارند و تحلیل تعاملات میان راهکارها یا ارائه مدل‌های عملیاتی کمتر مورد توجه بوده است. برای مثال، در حالی که گومز (۲۰۱۳) تعاونی‌ها را ابزاری کلیدی می‌داند، موانع اجرایی آن‌ها در ایران به صورت سیستماتیک بررسی نشده است. به‌طور مشابه، در حالی که استروم (۱۹۹۰) مدیریت جمعی منابع را کارآمد می‌داند، کاربرد آن در اقتصاد کلان ایران نیازمند مدل‌سازی دقیق‌تر است. گاری^۱ و همکاران (۲۰۲۶) نیز به کمبود چارچوب‌های عملیاتی برای مردمی‌سازی در کشورهای با اقتصاد دولت‌محور اشاره دارند، که با شرایط ایران هم‌خوانی دارد. این پژوهش با استفاده از مرور اسکوپینگ و مدل‌سازی ساختاری تفسیری، به دنبال پر کردن این شکاف‌ها و ارائه چارچوبی سلسله‌مراتبی برای سیاست‌گذاران است.

روش پژوهش

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل استراتژی‌های مردمی‌سازی اقتصاد و بررسی میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر تحقق خط‌مشی کلان مردمی‌سازی اقتصاد در ایران انجام شد. پارادایم حاکم بر این مطالعه تفسیری است که بر درک معانی و روابط میان عوامل از دیدگاه خبرگان تأکید دارد. رویکرد پژوهش آمیخته بوده و ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی را شامل می‌شود. در بخش کیفی، از مرور اسکوپینگ برای شناسایی راهکارهای کلیدی موجود در ادبیات بین‌المللی و داخلی استفاده شد و در بخش کمی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای تحلیل سلسله‌مراتبی و تعیین روابط میان عوامل به کار گرفته شد.

مرور اسکوپینگ (بخش کیفی)

هدف این مرحله، شناسایی نظام‌مند راهبردهای مردمی‌سازی اقتصاد از منابع علمی و گزارش‌های رسمی بود. مراحل انجام مرور اسکوپینگ به شرح زیر است:

- تعیین سوال پژوهش: سوال اصلی این مرحله، «چه راهکارهایی برای تحقق مردمی‌سازی اقتصاد در ادبیات موجود شناسایی شده‌اند؟» بود.

¹ Garri

- جستجوی منابع مرتبط: برای جستجوی منابع خارجی، از کلیدواژه‌های مکمل و مرتبط با مردمی‌سازی اقتصاد استفاده شد که در ادبیات بین‌المللی به ابعاد مختلف این مفهوم اشاره دارند. این کلیدواژه‌ها شامل موارد زیر بودند:
 - کلیدواژه‌های اصلی:
 - Economic democratization
 - People-centered economy / People-based economy
 - Participatory economy / Parecon
 - Economic democracy
 - کلیدواژه‌های مکمل:
 - Solidarity economy
 - Civil economy
 - Community-based economy / Grassroots economy
 - Community wealth building
 - Cooperative economy / Cooperative ownership
 - Economic populism / Popular economy
 - Citizen-led economy / Citizen economic empowerment
 - Bottom-up economic development
 - Decentralized economic governance
 - Collective action + Commons management (Ostrom)
 - Asset-based community development
 - عبارات ترکیبی:
 - Participatory budgeting AND economic development
 - Worker cooperatives AND economic democracy
 - Social economy AND community participation
 - Economic inclusion AND popular participation
 - انتخاب منابع: جستجو در پایگاه‌های Google Scholar، Scopus، Web of Science، JSTOR و EconLit با این کلیدواژه‌ها در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۲۴ انجام شد. در بخش منابع داخلی، جست‌وجو با تمرکز بر پایگاه SID، اسناد و گزارش‌های رسمی داخلی، و نیز منابع بازتابی شده از Google Scholar و Scopus انجام شد. برای افزایش شفافیت فرایند بازتابی منابع فارسی، جست‌وجو با ترکیب کلیدواژه‌هایی نظیر "مردمی‌سازی اقتصاد"، "اقتصاد مردم‌بنیان"، "اقتصاد مردم‌پایه"، "اقتصاد مشارکتی"، "دموکراسی اقتصادی"، "مشارکت اقتصادی مردم"، "تأمین مالی جمعی"، "بودجه‌ریزی مشارکتی"، "تعاونی‌ها" و "حمایت از تولید محلی" انجام شد. پس از حذف موارد تکراری و غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده، منابع واجد شرایط وارد مرحله بررسی کامل شدند.
 - استخراج داده‌ها: اطلاعات مرتبط با راهکارهای مردمی‌سازی از منابع انتخاب‌شده استخراج و در قالب جدولی شامل عنوان راهکار، تعریف، و منبع ثبت شد. معیارهای ورود شامل مقالات و کتب منتشرشده به زبان انگلیسی بود که به راهکارها، مکانیسم‌ها، یا مدل‌های مردمی‌سازی اقتصاد (به هر یک از معانی فوق) پرداخته باشند. پس از حذف تکراری‌ها و غربالگری اولیه بر اساس عنوان و چکیده، ۸۵ منبع خارجی (در کنار ۶۸ منبع داخلی) وارد مرحله بررسی کامل شدند. جدول ۱ خلاصه منابع بررسی‌شده در مرور اسکوپینگ را نشان می‌دهد.
 - تحلیل مضمونی و تدوین راهکارها: داده‌ها با روش تحلیل مضمونی بررسی شدند و مضامین تکرارشونده به ۱۲ راهکار کلیدی تقلیل یافت که در بخش یافته‌ها ارائه می‌شود.
- جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری بود که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیار انتخاب، داشتن تجربه تخصصی در زمینه مردمی‌سازی اقتصاد یا سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران بود.

روایی و پایایی فرایند پژوهش

¹ Participatory Budgeting

به‌منظور اطمینان از استحکام روش‌شناختی پژوهش، روایی و پایایی در دو بخش کیفی و کمی به‌صورت مکمل مورد توجه قرار گرفت. در بخش کیفی، روایی محتوایی و اعتبار یافته‌ها از طریق طراحی نظام‌مند مرور اسکوپینگ، تصریح معیارهای ورود و خروج، جست‌وجوی هدفمند در منابع داخلی و خارجی، استخراج داده‌ها بر اساس پروتکل مشخص و بازبینی مکرر مضامین استخراج‌شده ارزیابی و تأمین شد. همچنین، بهره‌گیری از چارچوب مرور اسکوپینگ آرکسی و امالی^۱ (۲۰۰۵) موجب شد فرایند شناسایی، غربالگری و تلخیص منابع بر مبنای شفاف، نظام‌مند و قابل پیگیری انجام شود.

در بخش کمی، روایی محتوایی عوامل استخراج‌شده و روابط میان آن‌ها از طریق اخذ نظر ۱۵ نفر از خبرگان حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری و تکمیل پرسشنامه ماتریسی مورد ارزیابی قرار گرفت. خبرگان ضمن بررسی جامعیت و تناسب عوامل شناسایی‌شده، روابط اثرگذاری میان عوامل را نیز قضاوت کردند و ساختار نهایی مدل بر مبنای اجماع حاصل از دیدگاه‌های تخصصی آنان شکل گرفت. از آنجا که مدل‌سازی ساختاری تفسیری بر قضاوت خبرگان درباره تقدم و تأخر و میزان اثرگذاری عوامل استوار است، ملاک اصلی اعتبار ابزار، تناسب تخصصی مشارکت‌کنندگان، کفایت علمی آنان و اجماع تفسیری میان خبرگان بوده است.

برای ارزیابی پایایی، سازگاری منطقی روابط نهایی با استفاده از اصل تعدی^۲ در ماتریس دسترسی بررسی شد؛ بدین معنا که اگر عامل i بر عامل j اثرگذار باشد و عامل j نیز بر عامل p اثر بگذارد، انتظار می‌رود عامل i نیز به‌صورت غیرمستقیم بر عامل p مؤثر باشد. بازبینی ماتریس بر اساس این منطق، به انسجام ساختاری مدل و کاهش ناسازگاری‌های درونی کمک کرده است. همچنین، پایایی قضاوت‌های خبرگان از طریق بررسی میزان همگرایی پاسخ‌ها و شکل‌گیری روابط نهایی بر مبنای اجماع نسبی میان مشارکت‌کنندگان تقویت شد. افزون بر این، تطبیق نتایج سطح‌بندی مدل‌سازی ساختاری تفسیری با تحلیل تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی به‌عنوان نوعی اعتبارسنجی متقاطع، مبنایی برای اطمینان بیشتر از ثبات تفسیری و اعتبار ساختاری یافته‌ها فراهم آورده است.

جدول ۱. خلاصه منابع بررسی‌شده در مرور اسکوپینگ

نمونه منابع کلیدی	تعداد پس از غربالگری	تعداد منابع یافت‌شده	دسته‌بندی
منابع فارسی			
حسینی و حسینی (۲۰۱۶)، درخشان و نصراللهی (۱۳۹۳)، تنهایی‌مقدم (۱۴۰۴)	52	125	مقالات ژورنالی فارسی
توحیدی‌نیا (۱۴۰۳)، حسینی و حسینی (۲۰۱۶)، ارشدی و تنهایی‌مقدم (۱۴۰۳)	12	18	کتاب فارسی
تنهایی‌مقدم (۱۴۰۴)، حسینی‌فرد و همکاران (۱۴۰۳)، حسینی و سلیمانی (۱۳۹۶)	8	32	پایان‌نامه‌های فارسی
مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۱)، وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۴۰۱)	12	15	گزارش‌های سازمانی و دولتی
منابع انگلیسی			
آلبرت و هانل (۱۹۹۱)، استروم (۱۹۹۰)، اسچویکارت (۲۰۱۱)، ماتی و همکاران (۲۰۱۷)	68	240	مقالات ژورنالی انگلیسی
دهل (۱۹۸۵)، کورتن (۲۰۱۵)، هانل (۲۰۲۲)، برونی و زاماگنی (۲۰۰۷)	17	35	کتاب انگلیسی
بانک جهانی (۲۰۲۰)	9	12	گزارش‌های بین‌المللی
-	178	477	جمع کل

روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) (بخش کمی)

در مرحله تحلیل داده‌ها، از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری بهره گرفته شد که توسط وارفیلد (۱۹۷۳) توسعه یافته و روابط میان عوامل را ساختاردهی می‌کند. گام‌های این روش به شرح زیر است:

¹ Arksey and O'Malley

² Transitivity

طراحی پرسشنامه ماتریسی: پرسشنامه‌ای بر اساس ۱۲ راهکار شناسایی شده طراحی شد و خبرگان با بررسی زوجی عوامل، روابط را با نمادهای زیر مشخص کردند:

V: اگر عنصر i بر عنصر j تأثیر بگذارد.

A: اگر عنصر j بر عنصر i تأثیر بگذارد.

X: اگر عناصر i و j تأثیرگذاری متقابل داشته باشند.

O: اگر میان عناصر i و j رابطه‌ای وجود نداشته باشد.

تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM): داده‌های خبرگان تجمیع شد و ماتریس SSIM بر اساس مد (بیشترین فراوانی) پاسخ‌ها تشکیل گردید.

تبدیل به ماتریس دسترسی اولیه: ماتریس SSIM به ماتریس دو مقداری (۰ و ۱) تبدیل شد با قواعد زیر:

اگر (i,j) در SSIM برابر V باشد، $(i,j)=1$ و $(j,i)=0$.

اگر (i,j) برابر A باشد، $(i,j)=0$ و $(j,i)=1$.

اگر (i,j) برابر X باشد، $(i,j)=1$ و $(j,i)=1$.

اگر (i,j) برابر O باشد، $(i,j)=0$ و $(j,i)=0$.

تدوین ماتریس دسترسی نهایی: روابط غیرمستقیم (Transitivity) با قاعده "اگر i به j منجر شود و j به p، آنگاه i به p نیز منجر می‌شود" بررسی و ماتریس نهایی سازگار شد.

محاسبه نفوذ و وابستگی: قدرت نفوذ (مجموع عوامل متأثر از هر عامل به علاوه خود آن) و وابستگی (مجموع عوامل تأثیرگذار بر آن به علاوه خود آن) تعیین گردید. این چارچوب امکان تحلیل سلسله‌مراتبی و اولویت‌بندی عوامل را فراهم کرد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، استراتژی‌های مردمی‌سازی اقتصاد معرفی شده و تعاملات پیچیده میان اجزای یک اقتصاد مردم‌بنیاد در چارچوبی سلسله‌مراتبی ارائه می‌گردد.

راهکارهای تحقق مردمی‌سازی اقتصاد

با استفاده از روش مرور اسکوپینگ، ۱۲ راهکار کلیدی از ادبیات موجود استخراج شد. نحوه اجرای گام‌های اسکوپینگ به شرح زیر است:

- تعیین سوال پژوهش: سوال «چه راهکارهایی برای تحقق مردمی‌سازی اقتصاد در ادبیات شناسایی شده‌اند؟» مطرح شد.
- جستجوی منابع: بیش از ۱۵۰ منبع از پایگاه‌های SID، Scopus، و Google Scholar و اسناد رسمی با کلیدواژه‌های مرتبط جستجو شد.
- انتخاب منابع: پس از اعمال معیارهای ورود، ۴۲ منبع (شامل ۲۸ مقاله و ۱۴ گزارش) انتخاب شدند. منابع غیرمرتبط یا تکراری حذف گردید.
- استخراج داده‌ها: از هر منبع، راهکارهای پیشنهادی استخراج و در جدولی با ستون‌های "راهکار"، "توضیح"، و "منبع" ثبت شد.
- تحلیل مضمونی: مضامین استخراج‌شده تحلیل شد و پس از حذف موارد هم‌پوشان، ۱۲ راهکار نهایی شناسایی شد که در جدول ۲ و ۳ بیان گردید:

جدول ۲. معرفی عوامل و مصادیق مردمی‌سازی اقتصاد

ردیف	منبع	مفهوم و مصداق عوامل مردمی‌سازی اقتصاد
1	فرانته ^۱ (۲۰۲۲)، حسنی و حسینی (۲۰۱۶)، زریباف (۱۳۹۶)، سید اشرف موسوی لقمانی و پیشوایی ^۲ (۱۴۰۳)	ایجاد بسترهای قانونی مناسب، از جمله قوانین حمایتی، تسهیل صدور مجوز و تضمین دسترسی مردم به منابع مالی و نهادی، به‌عنوان پیش‌نیاز مشارکت اقتصادی گسترده مردم در سطح کلان سیاست‌گذاری.
2	سرکار ^۳ (۲۰۱۶)، حیدری و درخشان (۱۴۰۳)، بانک مرکزی ایران ^۴ (۱۴۰۱)	تأمین مالی جمعی به‌عنوان سازوکاری برای تجميع سرمایه‌های خرد مردمی و کاهش وابستگی به نظام مالی متمرکز، به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و نوآور.
3	کراوورد-لی و هانتز ^۵ (۲۰۰۹)، رزمی و درتومی (۱۴۰۳)، پاینده و همکاران (۱۴۰۳)	حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی از طریق سیاست‌های تشویقی، آموزش و تسهیل دسترسی به بازار، به‌منظور افزایش اشتغال و توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی.
4	سوکوکو ^۶ و همکاران (۲۰۲۴)، پیشوایی و همکاران (۱۳۹۶)، جهانیان (۱۳۹۶)	برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی، شامل صندوق‌های محلی، قرض‌الحسنه و نهادهای مالی اجتماع‌محور، به‌منظور توانمندسازی اقشار مختلف جامعه.
5	متوسلی ^۷ و همکاران (۲۰۰۴)، عباسی‌نژاد (۱۴۰۲)، درخشان (۱۴۰۱)	حمایت از تولید داخلی و مصرف کالای ایرانی به‌عنوان یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی و ابزار تقویت پیوند مردم با فرآیند تولید و توزیع ثروت.
6	بیناد الن مک‌آرتور ^۸ (۲۰۲۲)، سیفلو ^۹ (۱۴۰۳)	ترویج اقتصاد چرخشی با مشارکت مردم، با هدف کاهش ضایعات، استفاده مجدد از منابع و توسعه کسب‌وکارهای سبز و اجتماع‌محور.
7	سازمان ملل (۲۰۱۵)، توحیدی‌نیا (۱۴۰۳)، حسینی‌فرد و همکاران (۱۴۰۳)	توانمندسازی زنان، اقلیت‌ها و اقشار محروم از طریق آموزش، حمایت نهادی و دسترسی عادلانه به فرصت‌های اقتصادی، به‌منظور تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار.
8	جلیل ^{۱۰} و همکاران (۲۰۲۱)، نوری و احمدی ^{۱۱} (۱۴۰۱)، اسماعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۲)	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین به‌عنوان ابزار تسهیل مشارکت اقتصادی مردم، به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی.
9	براویتیگام ^{۱۲} (۲۰۰۴)، اسماعیل‌پور و همکاران (۱۴۰۲)، شیخی (۱۴۰۲)	بودجه‌ریزی مشارکتی به‌عنوان سازوکاری برای مشارکت مستقیم شهروندان در تصمیم‌گیری‌های مالی و افزایش شفافیت و پاسخگویی در حکمرانی اقتصادی.
10	مونترو ^{۱۳} (۲۰۲۱)، ارشادی و نعمتی (۱۴۰۳)	سیستم‌های مالیاتی مشارکتی که امکان نظارت و آگاهی مردم از تخصیص منابع عمومی را فراهم کرده و اعتماد عمومی به نظام مالی را تقویت می‌کند.
11	پرز فرناندز ^{۱۴} (۲۰۰۲)، عبدی و کوهان‌هوش‌نژاد (۱۳۹۵)، حسینی‌فرد و همکاران (۱۴۰۳)	مدیریت مشارکتی منابع و بنگاه‌ها با حضور ذی‌نفعان، تعاونی‌ها و نهادهای اجتماعی، به‌عنوان بدیلی برای الگوهای متمرکز دولتی و صرفاً بازارمحور.
12	مصطفی و میر ^{۱۵} (۱۹۹۹)، حیدرخانی و همکاران (۱۳۹۶)، کریچی (۱۴۰۰)	برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور و توانمندساز، با هدف افزایش بهره‌وری نیروی کار، ارتقای سرمایه انسانی و تسهیل مشارکت پایدار مردم در اقتصاد.

جدول ۳. متغیرهای جمع‌آوری‌شده

ردیف	عنوان عامل مردمی‌سازی اقتصاد
------	------------------------------

¹ Ferrante

² Seyed Ashraf Mousavi Lohmani & Pishvaei

³ Sarkar

⁴ Central Bank of Iran

⁵ Crawford-Lee & Hunter

⁶ Sukoco

⁷ Motavasseli

⁸ Ellen MacArthur Foundation

⁹ Seyfloo

¹⁰ Jalil

¹¹ Nouri & Ahmadi

¹² Bräutigam

¹³ Montero

¹⁴ Perez Fernandez

¹⁵ Mustafa & Meer

۱	فراهم نمودن بستر قانونی مشارکت مردم
۲	بهره گیری از انواع تامین مالی جمعی
۳	حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی
۴	برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی
۵	ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی
۶	ترویج اقتصاد چرخشی
۷	توانمند سازی اقشار محروم جامعه
۸	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال
۹	بودجه ریزی مشارکتی
۱۰	سیستم‌های مالیاتی مشارکتی
۱۱	مدیریت مشارکتی منابع
۱۲	برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور

تحليل سلسله مراتبی با ISM

خروجی‌های اسکوپینگ به‌عنوان ورودی‌های روش ISM مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا، پرسشنامه ماتریسی با مشارکت ۱۵ نفر از خبرگان تکمیل شد. ماتریس SSIM بر اساس مد پاسخ‌ها تشکیل شد، سپس به ماتریس دسترسی اولیه تبدیل گردید. پس از بررسی روابط غیرمستقیم، ماتریس دسترسی نهایی تدوین شد و میزان تأثیرگذاری هر راهکار بر تحقق خطمشی کلان مردمی‌سازی اقتصاد با نظر خبرگان مشخص گردید. جزئیات این تحلیل در ادامه ارائه می‌شود. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها و مطالعات صورت گرفته از ارتباط متغیرها با هم در جدول ۴ بیان گردیده است.

جدول ۴. ماتریس خود تعاملی ساختاری

[illegible]

سپس بر اساس روش توضیح داده شده در بخش روش تحقیق، به جای استفاده از نمادهای چهارگانه، مقادیر ۰ و ۱ جایگزین می‌شوند.

جدول ۵. ماتریس دسترسی اولیه

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱	فراهم نمودن بستر قانونی مشارکت مردم	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۲	بهره‌گیری از انواع تامین مالی جمعی	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۳	حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
۴	برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۵	ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی	۰	۰	۱	۰	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۶	ترویج اقتصاد چرخشی	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۰
۷	توانمندسازی اقشار محروم جامعه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
۸	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰
۹	بودجه ریزی مشارکتی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۰
۱۰	سیستم‌های مالیاتی مشارکتی	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰
۱۱	مدیریت مشارکتی منابع	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰
۱۲	برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۱

پس از ایجاد ماتریس اولیه، روابط ثانویه عوامل کنترل می‌شود. روابط ثانویه با علامت ۱ نمایش داده شده‌اند.

جدول ۶. ماتریس دسترسی نهایی

ردیف	عوامل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	قدرت نفوذ
۱	فراهم نمودن بستر قانونی مشارکت مردم	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱۰
۲	بهره‌گیری از انواع تامین مالی جمعی	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۶
۳	حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۶
۴	برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۲
۵	ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۵

۶	ترویج اقتصاد چرخشی	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴
۷	توانمند سازی اقتشار محروم جامعه	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
۸	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰
۹	بودجه ریزی مشارکتی	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۶
۱۰	سیستم‌های مالیاتی مشارکتی	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۶
۱۱	مدیریت مشارکتی منابع	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵
۱۲	برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۴
میزان وابستگی		۳	۳	۵	۸	۱	۸	۱	۲	۶	۵	۷	۶	۶	۶	

تعیین روابط و سطح بندی عوامل

در این مرحله، به وسیله ماتریس دسترسی و با شناسایی ورودی‌ها و خروجی‌ها، تقاطع آن‌ها برای هر عامل استخراج می‌شود. برای هر متغیر، خروجی شامل خود متغیر به همراه تمامی متغیرهایی می‌باشد که بر آن تأثیر می‌گذارند. به همین ترتیب، ورودی هر متغیر متشکل از خود آن به همراه تمامی متغیرهایی است که از آن تأثیر می‌پذیرند. بعد از شناسایی ورودی‌ها و خروجی‌ها، تقاطع آن‌ها به عنوان شاخصی برای هر عامل مشخص می‌گردد. عواملی که خروجی‌شان به طور کامل یکسان است، در سطوح بالایی از سلسله مراتب مدل تفسیری ساختاری جای می‌گیرند. سپس، جهت شناسایی مؤلفه‌های سطوح پایین‌تر سیستم، عناصری که در بالاترین سطح قرار داشتند از محاسبات جدول ریاضی حذف شده و دوباره، با همان روش پیشین، سطوح بعدی تعیین می‌شوند. این روند ادامه پیدا می‌کند تا تمامی مؤلفه‌های سطوح سیستم به طور کامل شناسایی شوند.

جدول ۷. سطح بندی (۱)

عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه اشتراک	سطح
۱	۱،۲،۳،۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۱،۲،۳	۱،۲،۳	
۲	۱،۲،۳،۴،۷،۱۲	۱،۲،۸	۱،۲	
۳	۱،۳،۴،۶،۷،۱۲	۱،۲،۳،۵،۸	۱،۳	
۴	۴،۷	۱،۲،۳،۴،۵،۸،۹،۱۰	۴	
۵	۳،۴،۵،۷،۱۲	۵	۵	
۶	۶،۷،۹،۱۱	۱،۳،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۶،۹،۱۱	
۷	۷	۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۷	سطح اول
۸	۲،۳،۴،۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۸	۸	
۹	۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۶،۸،۹،۱۰،۱۱	۶،۹،۱۰،۱۱	
۱۰	۴،۶،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۸،۹،۱۰،۱۱	۹،۱۰،۱۱	
۱۱	۶،۷،۹،۱۰،۱۱	۱،۶،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲	۶،۹،۱۰،۱۱	
۱۲	۶،۷،۱۱،۱۲	۱،۲،۳،۵،۸،۱۲	۱۲	

بنابراین عامل شماره ۷ در سطح اول قرار می‌گیرد و در ادامه فرایند سطح بندی عوامل از جدول حذف می‌شود. سایر مراحل سطح بندی به صورت خلاصه در جدول ۸ آمده است.

جدول ۸. سطح‌بندی (۲)

تکرار	عوامل	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه اشتراک	سطح
دوم	۴	۴	۱۰، ۹، ۸، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۴	سطح ۲
دوم	۶	۶، ۹، ۱۱	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۳، ۶، ۱	۶، ۹، ۱۱	سطح ۲
سوم	۹	۹، ۱۰، ۱۱	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۱	۹، ۱۰، ۱۱	سطح ۳
سوم	۱۰	۹، ۱۰، ۱۱	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۱	۹، ۱۰، ۱۱	سطح ۳
سوم	۱۱	۹، ۱۰، ۱۱	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۱	۹، ۱۰، ۱۱	سطح ۳
چهارم	۱۲	۱۲	۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۳، ۶، ۱	۱۲	سطح ۴
پنجم	۱	۱، ۲، ۳	۳، ۲، ۱	۱، ۲، ۳	سطح ۵
پنجم	۳	۱، ۳	۸، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	۱، ۳	سطح ۵
ششم	۲	۲	۸، ۲	۲	سطح ۶
ششم	۵	۵	۵	۵	سطح ۶
هفتم	۸	۸	۸	۸	سطح ۷

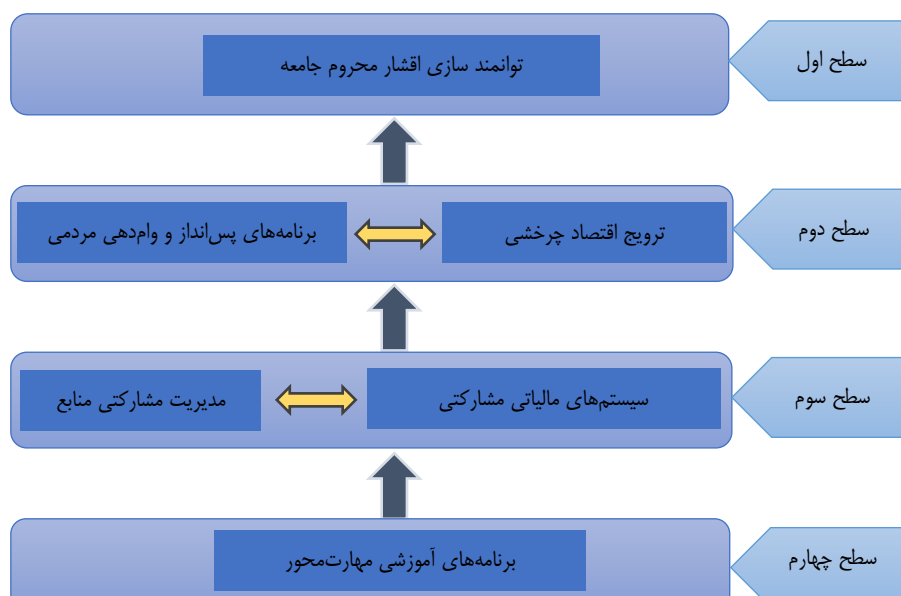
ترسیم مدل نهایی

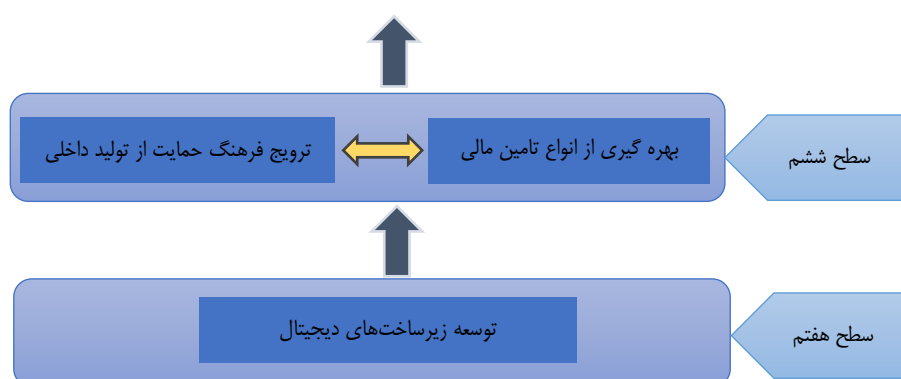
در این گام، با استناد به سطوح عوامل و ماتریس دسترسی نهایی، یک مدل مقدماتی ترسیم می‌شود؛ سپس با حذف انتقال‌پذیری‌ها از این مدل، مدل نهایی به دست می‌آید.

جدول ۹. سطوح عوامل

سطح	عوامل
اول	توانمند سازی اقشار محروم جامعه
دوم	برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی ترویج اقتصاد چرخشی
سوم	بودجه ریزی مشارکتی سیستم‌های مالیاتی مشارکتی مدیریت مشارکتی منابع
چهارم	برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور
پنجم	فراهم نمودن بستر قانونی مشارکت مردم حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی
ششم	بهره‌گیری از انواع تامین مالی جمعی ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی
هفتم	توسعه زیرساخت‌های دیجیتال

بر این اساس مدل نهایی ISM طبق جدول شماره ۹ به صورت شکل ۱ خواهد شد:





شکل ۱. سطح بندی نهایی ISM

بر اساس مدل نهایی ISM، عوامل در قالب یک ساختار سلسله‌مراتبی سازماندهی شده و موقعیت هر کدام به همراه سطح تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن نسبت به سایر عوامل به وضوح تعیین گردید. طبق شکل ۱، عناصری که در سطوح پایین‌تر قرار می‌گیرند، تأثیر مستقیمی بر مؤلفه‌های موجود در طبقات بالاتر دارند؛ همچنین درون هر لایه، تعاملات متقابل به چشم می‌خورد. در واقع، مؤلفه‌های واقع در لایه‌های بالایی از میزان تأثیرپذیری بیشتری برخوردارند؛ به گونه‌ای که عناصری که در سطح ۱ جای دارند، بیشترین قابلیت دریافت تأثیر را دارا هستند. نتایج مدل نهایی ISM همچنین اهمیت جمعی عناصری را که در سطوح پایین‌تر قرار دارند، در راستای تحقق خط مشی کلان مردمی‌سازی اقتصاد نشان می‌دهد؛ به نحوی که محقق ساختن هر یک از این عوامل، تحقق نسبی مؤلفه‌های موجود در سطوح بالاتر را به همراه خواهد داشت.

در روش ISM، عوامل در یک ساختار سلسله‌مراتبی قرار گرفته‌اند که در آن عناصر سطوح پایین‌تر به‌عنوان نیروی محرکه و پایه‌ای جهت تحقق عوامل سطوح بالاتر عمل می‌کنند. به عنوان مثال، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال (سطح هفتم) به همراه بهره‌گیری از انواع تأمین مالی جمعی و ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی (سطح ششم) زمینه‌های لازم را برای فراهم نمودن بستر قانونی مشارکت مردم و حمایت از استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان محلی (سطح پنجم) مهیا می‌سازد. این عوامل به نوبه خود، زمینه اجرای برنامه‌های آموزشی مهارت‌محور (سطح چهارم) را فراهم کرده و موجب تقویت فرآیندهایی مانند بودجه‌ریزی مشارکتی، سیستم‌های مالیاتی مشارکتی و مدیریت مشارکتی منابع (سطح سوم) می‌شوند، که نهایتاً از طریق برنامه‌های پس‌انداز و وام‌دهی مردمی و ترویج اقتصاد چرخشی (سطح دوم) به تحقق توانمندسازی اقشار محروم جامعه (سطح اول) منتهی می‌گردد.

مدل نهایی ISM نشان می‌دهد که موفقیت کلی سیستم به ایجاد هم‌افزایی میان سطوح مختلف بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، عوامل محرکه در سطوح پایین‌تر به‌طور غیرمستقیم در تحقق عوامل وابسته در سطوح بالاتر تأثیرگذارند. این ساختار سلسله‌مراتبی تأکید می‌کند که پیشرفت در حوزه‌های کلیدی مانند توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تأمین مالی جمعی و ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی، زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های مربوط به مشارکت قانونی، حمایت از استارت‌آپ‌ها و ارائه آموزش‌های مهارت‌محور است. در نتیجه، یک رویکرد یکپارچه و هماهنگ در مدیریت و بهبود این عوامل، نقش اساسی در دستیابی به اهداف کلان مانند توانمندسازی اقشار محروم و مردمی‌سازی اقتصاد دارد.

تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (MICMAC)

- در این مرحله، متغیرها به چهار دسته تقسیم می‌شوند تا بتوانند از منظر توان نفوذ و میزان وابستگی مورد بررسی قرار گیرند. هدف این طبقه‌بندی، تحلیل دقیق تأثیرگذاری و وابستگی متغیرها به یکدیگر است.
- متغیرهای خودمختار (ناحیه ۱): این عوامل از هر دو جهت نفوذ و وابستگی دارای مقادیر اندکی هستند؛ به بیان دیگر، تأثیرگذاری و وابستگی آن‌ها نسبت به سایر متغیرها در حداقل سطح قرار دارد.
 - متغیرهای وابسته (ناحیه ۲): این گروه از متغیرها نفوذ کمی داشته و وابستگی قابل توجهی نسبت به سایر عوامل نشان می‌دهند.
 - متغیرهای پیوندی (ناحیه ۳): از هر دو جهت نفوذ و وابستگی دارای مقادیر بالایی هستند و رابطه دوجانبه و متقابلی با سایر متغیرها برقرار می‌کنند.
 - متغیرهای مستقل (ناحیه ۴): این عوامل با قدرت نفوذ بسیار بالا اما وابستگی کم، به عنوان متغیرهای کلیدی شناخته می‌شوند و تأثیر قابل توجهی بر سایر عوامل دارند.
- برای رسم نمودار تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی، از جدول شماره ۵ استفاده می‌شود؛ در این روند، ورودی‌های "۱" در هر سطر و ستون جمع‌آوری شده تا به ترتیب میزان نفوذ و وابستگی متغیرها تعیین شود. سپس نمودار مربوط به قدرت نفوذ و وابستگی بر اساس این محاسبات ترسیم می‌گردد.

۱۲												
۱۱												
۱۰	۸		۱									
۹			مستقل						پیوندی			
۸												
۷												
۶			۲		۳،۱۰	۹						
۵	۵						۱۱					
۴						۱۲		۶				
۳			خودمختار						وابسته			
۲								۴				
۱												۷
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲

وابستگی

شکل ۲. ماتریس MICMAC

ماتریس تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی ارائه‌شده در شکل ۲، به‌طور دقیق تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر متغیر را تحلیل می‌کند. طبق مدل نهایی موجود در همان شکل، عوامل شماره ۱ و ۸ در بخش مستقل (نفوذ) قرار گرفته‌اند؛ این عوامل از نفوذ بسیار بالا و وابستگی بسیار پایین برخوردارند. در مقابل، عوامل شماره ۴، ۶، ۷ و ۱۱ در دسته وابسته طبقه‌بندی می‌شوند که

نشان دهنده کمترین نفوذ و بیشترین وابستگی آن هاست. همچنین، متغیرهای ۲، ۳، ۵، ۹، ۱۰ و ۱۲ در حوزه خودمختار قرار دارند؛ این عوامل نسبت به دیگر متغیرها، تأثیر و وابستگی کمتری نشان می دهند.

در نهایت، از این مدل به عنوان نقشه راهی جهت آگاهی بخشی پیش از اقدام توسط سیاست گذاران و مدیران دستگاه های دولتی برای تحقق خط مشی مردمی سازی اقتصاد استفاده می شود. این مدل نشان برای تحقق خط مشی مردمی سازی اقتصاد با منابع محدود فعلی جهت پرداختن به راه حل ها و مسائل، دستیابی به کدام عامل بیشترین تأثیر را جهت تحقق این هدف به همراه خواهد داشت. طبق این مدل، عناصری که در سطوح پایین تر قرار دارند، بر لایه های بالایی تأثیر می گذارند؛ از این رو، تمرکز بر این مؤلفه ها به طور غیرمستقیم منجر به تحقق عوامل بالایی شده و در نهایت میتوانیم حداکثر بهره وری و کارایی در سیاست گذاری و اجرای خط مشی های مصوب در خصوص هدف مذکور را به همراه داشته باشیم.

بحث

در این پژوهش، استراتژی های مردمی سازی اقتصاد ایران با استفاده از روش مرور اسکوپینگ شناسایی و از طریق مدل سازی ساختاری تفسیری (ISM) تحلیل شده است. این مطالعه با هدف ارائه چارچوبی سلسله مراتبی برای درک تعاملات میان راهکارهای مردمی سازی اقتصاد انجام شد تا سیاست گذاران بتوانند اولویت های خود را در راستای تحقق این خط مشی کلان تعیین کنند. نتایج به دست آمده با پژوهش های پیشین هم راستایی دارد؛ برای مثال، درخشان (۱۴۰۱) تأکید می کند که اقتصاد مردم بنیاد تنها زمانی محقق می شود که تمامی اقشار جامعه در فرآیندهای اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند. در این پژوهش نیز عواملی نظیر توسعه زیرساخت های دیجیتال، تأمین مالی جمعی، و توانمندسازی اقشار محروم به عنوان محرک های کلیدی شناسایی شدند که به افزایش مشارکت عمومی و کاهش وابستگی به دولت اشاره دارند.

یافته ها نشان می دهد که توسعه زیرساخت های دیجیتال نقشی اساسی در تسهیل فرآیندهای مالی، افزایش شفافیت، و دسترسی به خدمات اقتصادی ایفا می کند و از این طریق، توانمندسازی اقشار مختلف جامعه را ممکن می سازد. به همین ترتیب، آندره و مولر (۲۰۲۲) بر نقش مشارکت عمومی در سیاست گذاری تأکید دارند و نشان می دهند که شفافیت ناشی از این مشارکت، پاسخگویی نهادهای اقتصادی را تقویت می کند. در این پژوهش، بودجه ریزی مشارکتی و سیستم های مالیاتی مشارکتی نیز به عنوان راهکارهایی برای افزایش شفافیت و اعتماد عمومی تأیید شدند.

یکی دیگر از نتایج کلیدی، اهمیت تأمین مالی جمعی به عنوان ابزاری برای کاهش وابستگی به منابع دولتی و بانکی است. این ابزار، با فراهم سازی سرمایه از طریق مشارکت مردم، نه تنها استقلال اقتصادی را تقویت می کند، بلکه از استارت آپ ها و تعاونی ها پشتیبانی می کند. پیغامی (۱۳۹۳) نیز این روش را راهکاری مؤثر برای مردمی سازی اقتصاد ایران معرفی کرده و بر ظرفیت آن در حمایت از کسب و کارهای کوچک تأکید دارد. همچنین، سرکار (۲۰۱۶) تأمین مالی جمعی را ابزاری نوآورانه برای دموکراتیزه کردن اقتصاد می داند که با یافته های این پژوهش هم راستاست.

ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی نیز به عنوان عاملی محوری در تحقق مردمی سازی اقتصاد برجسته شد. این راهکار با تقویت تولیدکنندگان داخلی، به افزایش اشتغال و کاهش وابستگی به واردات منجر می شود. عباسی نژاد (۱۴۰۲) این موضوع را در چارچوب اقتصاد مقاومتی بررسی کرده و آن را لازمه جهش تولید با مشارکت مردم می داند. به طور مشابه، گومز (۲۰۱۳) نقش تعاونی ها را در اقتصاد همبستگی گرا برای حمایت از تولید محلی تأیید می کند، که با نتایج این مطالعه در زمینه تقویت بخش تعاونی هم خوانی دارد.

مدل سلسله مراتبی ISM ارائه شده در این پژوهش، نقشه راهی عملی برای سیاست گذاران اقتصادی ایران فراهم می کند. این مدل با اولویت بندی راهکارها، امکان تخصیص بهینه منابع محدود به عوامل تأثیرگذار را فراهم می آورد و کارایی را در جهت تحقق خط مشی مردمی سازی اقتصاد به حداکثر می رساند. برخلاف برخی پژوهش ها که صرفاً بر توسعه زیرساخت ها تمرکز دارند، این مطالعه جزئیات عملیاتی را در سطح کلان بررسی کرده و بر تعاملات میان عوامل تأکید دارد. برای نمونه، توسعه زیرساخت های

دیجیتال و بستر قانونی به‌عنوان پایه‌هایی شناخته شدند که سایر راهکارها (مانند بودجه‌ریزی مشارکتی و توانمندسازی اقشار محروم) را تسهیل می‌کنند.

نتایج این پژوهش نشان‌دهنده ضرورت یک رویکرد چندجانبه برای مردمی‌سازی اقتصاد است که در آن مشارکت فعال مردم، ایجاد بسترهای قانونی، و توسعه زیرساخت‌های دیجیتال در اولویت قرار دارند. این یافته‌ها نه تنها برای ایران، بلکه برای سایر کشورهایی که با چالش‌های مشابهی در زمینه کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش مشارکت عمومی مواجه‌اند، قابل تعمیم است. مقایسه با ادبیات موجود نشان می‌دهد که تمرکز بر راهکارهای شناسایی‌شده می‌تواند شکاف میان اهداف کلان (مانند اصل ۴۴ قانون اساسی) و واقعیت موجود را کاهش دهد و به سیاست‌گذاران در طراحی برنامه‌های مؤثر یاری رساند.

یافته‌های پژوهش حاضر از چند جهت با مطالعات پیشین هم‌خوانی دارد. نخست، برجسته‌شدن بسترهای مشارکت فراگیر و لزوم حضور فعال اقشار مختلف در تحقق اقتصاد مردم‌بنیان با تأکید درخشان (۱۴۰۱) همسو است که تحقق این نوع اقتصاد را در گرو مشارکت واقعی لایه‌های مختلف جامعه می‌داند. دوم، اهمیت بسترهای حقوقی و مشارکت عمومی در نتایج این پژوهش با یافته‌های آندره و مولر (۲۰۲۲) هم‌خوانی دارد که بر نقش مشارکت عمومی در ارتقای شفافیت و کارآمدی سیاست‌گذاری تأکید می‌کنند. سوم، قرار گرفتن تأمین مالی جمعی در زمره راهکارهای اثرگذار، با نتایج پیغامی (۱۳۹۳) و سرکار (۲۰۱۶) سازگار است که این سازوکار را ابزاری برای تجهیز منابع خرد و تقویت مشارکت اقتصادی می‌دانند. همچنین، توجه به حمایت از تولید محلی و ظرفیت تعاونی‌ها با بحث‌های عباسی‌نژاد (۱۴۰۲) و گومز (۲۰۱۳) همسویی دارد. با این حال، وجه تمایز پژوهش حاضر در آن است که به‌جای بررسی منفرد هر یک از این راهکارها، تلاش می‌کند روابط ساختاری و تقدم‌وتأخر آنها را در یک چارچوب سلسله‌مراتبی تبیین کند.

نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته با چالش‌هایی نظیر تورم فزاینده، وابستگی به درآمدهای نفتی، رکود اقتصادی، و بیکاری مواجه بوده است. یکی از مهم‌ترین معضلات این اقتصاد، سهم بالای دولت در فعالیت‌ها و محدودیت مشارکت بخش خصوصی و مردم است که به کاهش بهره‌وری و ناکارآمدی ساختاری منجر شده است. در این شرایط، مردمی‌سازی اقتصاد به‌عنوان راهبردی نوین و ضروری مطرح شده که هدف آن کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش مشارکت فعال آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی است، رویکردی که با اصل ۴۴ قانون اساسی هم‌راستاست.

این پژوهش با هدف پاسخ به پرسش «راهکارهای تحقق خط‌مشی مردمی‌سازی اقتصاد چیست و چگونه می‌توان آن‌ها را بر اساس تأثیرگذاری اولویت‌بندی کرد؟» انجام شد. ابتدا با استفاده از روش مرور اسکوپینگ، ۱۲ راهکار کلیدی از ادبیات موجود شناسایی شد و سپس با بهره‌گیری از مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تعاملات این عوامل در چارچوبی سلسله‌مراتبی تحلیل گردید. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تأمین مالی جمعی، و ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی از مهم‌ترین عوامل پایه‌ای هستند که در سطوح پایین مدل ساختاری تفسیری قرار دارند. این عوامل به‌عنوان محرک‌های اصلی، زمینه‌ساز اجرای سایر برنامه‌های مشارکتی، توانمندسازی اقتصادی، و تقویت استارت‌آپ‌ها و بخش تعاونی می‌شوند.

به‌طور خاص، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال با تسهیل فرآیندهای مالی، افزایش شفافیت، و گسترش دسترسی به خدمات اقتصادی، مشارکت مردم را در اقتصاد دیجیتال ممکن می‌سازد. تأمین مالی جمعی نیز با فراهم‌سازی منابع از طریق مشارکت مستقیم مردم، وابستگی به منابع دولتی و بانکی را کاهش داده و از پروژه‌های کوچک و متوسط پشتیبانی می‌کند. همچنین، ترویج فرهنگ حمایت از تولید داخلی با افزایش تقاضا برای کالاهای بومی، تولیدکنندگان داخلی را تقویت کرده و به ایجاد اشتغال و استقلال اقتصادی کمک می‌کند. این نتایج با تأکید عباسی‌نژاد (۱۴۰۲) بر جهش تولید با مشارکت مردم هم‌خوانی دارد.

بر اساس تحلیل‌ها، این عوامل شرایط را برای اجرای سیاست‌هایی نظیر بودجه‌ریزی مشارکتی، نظام‌های مالیاتی مشارکتی، و مدیریت مشارکتی منابع فراهم می‌کنند و در نهایت به تحقق عدالت اقتصادی و ارتقای معیشت اقشار مختلف جامعه منجر می‌شوند.

تحلیل تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی نشان داد که توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و تأمین مالی جمعی از نفوذ بالایی برخوردارند و کم‌ترین وابستگی را دارند، بنابراین تمرکز بر آن‌ها می‌تواند سایر عوامل را به حرکت درآورد. در مقابل، عواملی مانند مدیریت مشارکتی منابع و ترویج اقتصاد چرخشی به عنوان عوامل وابسته‌تر، نیازمند پیشرفت در زیرساخت‌ها و بسترهای اولیه هستند. مدل سلسله‌مراتبی ساختاری تفسیری ارائه‌شده در این پژوهش، نقشه راهی برای سیاست‌گذاران اقتصادی ایران فراهم می‌کند. این مدل با اولویت‌بندی راهکارها، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا منابع محدود خود را به صورت بهینه در حوزه‌های کلیدی متمرکز کنند و از این طریق، کارایی را در راستای تحقق خط‌مشی مردمی‌سازی اقتصاد به حداکثر برسانند. تمرکز بر توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، تأمین مالی جمعی، و ایجاد بسترهای قانونی مشارکت مردم، به طور غیرمستقیم توانمندسازی اقشار مختلف، کاهش شکاف طبقاتی، و تقویت اقتصاد مردم‌بنیاد را به دنبال خواهد داشت.

پیشنهادهای عملی

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران عمومی در گام نخست، تمرکز خود را بر تقویت پیشران‌های پایه‌ای مدل، به‌ویژه توسعه زیرساخت‌های دیجیتال، فراهم‌سازی بسترهای قانونی و نهادی برای مشارکت مردم، و گسترش سازوکارهای تأمین مالی جمعی معطوف کنند؛ زیرا مطابق نتایج مدل‌سازی ساختاری تفسیری و تحلیل تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی، این عوامل از قدرت نفوذ بالایی برخوردار بوده و نقش محرک سایر مؤلفه‌های نظام مردمی‌سازی اقتصاد را ایفا می‌کنند. همچنین، نهادهای اجرایی می‌توانند با طراحی پلتفرم‌های شفاف برای مشارکت اقتصادی شهروندان، توسعه آموزش‌های مهارت‌محور، تقویت فرهنگ حمایت از تولید محلی، و استفاده از الگوهای بودجه‌ریزی مشارکتی، زمینه عملیاتی‌شدن مردمی‌سازی اقتصاد را در سطوح محلی و ملی فراهم سازند.

علاوه بر این، پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های اجرایی و نهادهای تنظیم‌گر، سازوکارهای ارزیابی مستمر مشارکت مردمی در فرایندهای اقتصادی را طراحی و پیاده‌سازی کنند تا امکان پایش اثربخشی سیاست‌های مردم‌بنیان و اصلاح مستمر آنها فراهم شود. در سطح حکمرانی نیز، بازتنظیم رابطه دولت با بخش خصوصی و تعاونی از مسیر کاهش تصدی‌گری مستقیم، افزایش شفافیت، تقویت پاسخگویی و ارتقای نقش تسهیل‌گر دولت، می‌تواند بستر تحقق مؤثرتر این خط‌مشی کلان را فراهم کند.

پیشنهادهای پژوهشی

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، نخست، مدل ارائه‌شده در این مطالعه را در بسترهای استانی، محلی و بخشی آزمون و اعتبارسنجی کنند تا تفاوت‌های زمینه‌ای در پیشران‌های مردمی‌سازی اقتصاد روشن‌تر شود. دوم، استفاده از روش‌های تکمیلی مانند مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل شبکه، پویایی‌شناسی سیستم‌ها یا روش دیمتل^۱ می‌تواند به سنجش تجربی شدت اثر هر یک از عوامل و روابط میان آنها کمک کند و اعتبار مدل مفهومی ارائه‌شده را مورد آزمون قرار دهد.

سوم، بررسی تطبیقی تجربه ایران با کشورهایی که در توسعه تعاونی‌ها، تأمین مالی جمعی، اقتصاد مشارکتی یا سازوکارهای بودجه‌ریزی مشارکتی موفق بوده‌اند، می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای بومی‌سازی سیاست‌های اقتصادی مردم‌بنیان فراهم آورد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده آثار و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و نهادی اجرای سیاست‌های مردمی‌سازی اقتصاد بر متغیرهایی نظیر رشد اقتصادی، اشتغال، عدالت توزیعی، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به صورت تجربی مورد بررسی قرار گیرد.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر، با وجود تلاش برای ارائه مدلی منسجم و کاربردی، با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است. نخست، بخشی از یافته‌ها مبتنی بر قضاوت خبرگان در فرایند مدل‌سازی ساختاری تفسیری است و بنابراین نمی‌توان احتمال تأثیر برداشت‌ها و قضاوت‌های ذهنی مشارکت‌کنندگان را به طور کامل متفی دانست. هرچند تلاش شد با انتخاب خبرگان دارای تجربه و تخصص مرتبط و نیز بررسی سازگاری روابط، این محدودیت تا حد امکان کاهش یابد.

^۱ DEMATEL

دوم، تمرکز پژوهش بر بستر نهادی، حکمرانی و سیاستی جمهوری اسلامی ایران، تعمیم‌پذیری نتایج به سایر کشورها یا زمینه‌های اقتصادی متفاوت را با احتیاط همراه می‌سازد. سوم، محدودیت دسترسی به برخی داده‌ها و اسناد جامع، به‌ویژه در حوزه ارزیابی تجربی پیامدهای راهبردهای مردمی‌سازی اقتصاد، از دیگر محدودیت‌های این مطالعه بوده است. افزون بر این، ماهیت کیفی و اکتشافی مرحله شناسایی عوامل موجب می‌شود که احتمال ظهور یا اهمیت‌یافتن برخی متغیرها در شرایط زمانی و محیطی متفاوت وجود داشته باشد. از این‌رو، تفسیر و به‌کارگیری نتایج باید با توجه به زمینه، دامنه و شرایط اجرای پژوهش صورت گیرد.

ملاحظات اخلاقی

بیانیه استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند نگارش مقاله

نویسندگان بدین‌وسیله از پشتیبانی ابزارهای پیشرفته مبتنی بر هوش مصنوعی در فرآیند تهیه و بازبینی این مقاله قدردانی می‌کنند. به‌طور خاص، از دستیارهای هوش مصنوعی مولد نظیر Claude، Gemini (Google DeepMind)، ChatGPT (OpenAI)، Grok (xAI) و (Anthropic) به‌صورت کنترل‌شده و مسئولانه برای ارتقای شفافیت نگارش، بهبود تبیین مفاهیم، کمک در ویرایش محتوای فنی و افزایش کیفیت زبانی کلی متن استفاده شده است. این ابزارها صرفاً در نقش مشاوران زبانی و ساختاری به‌کار گرفته شده‌اند و تمامی ایده‌های اصلی، روش‌شناسی‌ها، مدل‌ها و تفسیرها به‌طور کامل توسط نویسندگان تدوین و اعتبارسنجی شده‌اند. نسخه نهایی مقاله بازتاب‌دهنده داوری انتقادی انسانی و تخصص علمی نویسندگان بوده و اصالت و تمامیت پژوهش را تضمین می‌کند.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله مستخرج از پایان‌نامه تقریباً به شکل زیر باشد:

نویسنده اول: مشارکت در طراحی پژوهش، تهیه و آماده‌سازی نمونه‌ها، گردآوری داده‌ها، انجام محاسبات و تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، تحلیل و تفسیر اطلاعات و نتایج، و مشارکت در تهیه پیش‌نویس مقاله

نویسنده دوم: مشارکت در طراحی پژوهش، نظارت بر مراحل انجام پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها، بررسی و کنترل نتایج، تحلیل و تفسیر اطلاعات، و بازبینی و نهایی‌سازی مقاله

نویسنده سوم: مشارکت در جمع‌آوری داده‌ها، مطالعه و بازبینی ادبیات، ارائه دیدگاه‌های تحلیلی، و بازبینی علمی مقاله

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه انجام شد.

حمایت مالی از این پژوهش از طرف دانشگاه، دانشکده در قالب پژوهانه پایان‌نامه دانشجویی نویسنده اول و همچنین پژوهانه برای سایر نویسندگان انجام شده است.

منابع

- Abbasi, S. (1402). Eqtesad-e mahale-ye eslami va naghsh-e mardom dar balandegi an. Tehran: Negarestan Andishe. (In Persian)
- Abbasi-Nejad, A. (1402). Jahesh-e tolid ba mosharekat-e mardom lazem-e tahaghogh-e eqtesad-e moqavemati. In 6th National Conference on New Technologies in Humanities, Management, and Marketing, Tehran. (In Persian)
- Abdi, B., & Kohan-Housh-Nazad, R. (1395). Naghsh-e eqtesad-e ta'avoni dar tahaghogh-e elzamat-e eqtesad-e moqavemati. Ta'avon va Keshavarzi, 237(5), 143–174. (In Persian)

- Albert, M., & Hahnel, R. (1991). Looking forward: Participatory economics for the 21st century. South End Press.
- Andre, C., & Muller, C. (2022). Consumer participation in economic policy-making: Transparency and accountability. *Journal of Economic Policy Studies*, 34(3), 345–360.
- Ansari-Pour, M. H., & Safarian, A. (1403). Eqtesad-e mardomi, olgu-ye eqtesad-e qorani. *Pazhohesh-haye karbordi eqtesad-e moqavemati*, 1(1), 64–92. (In Persian)
- Arksey, H., & O'Malley, L. (2005). Scoping studies: Towards a methodological framework. *International Journal of Social Research Methodology*, 8(1), 19–32. <https://doi.org/10.1080/1364557032000119616>
- Arshadi, V., & Namati, [Initials]. (1403). Mavzu-shenasi-ye eqtesad-e mardomi (mardom-bonyad) ba ravesh-e goruh-e kanuni. *Pazhohesh-haye karbordi eqtesad-e moqavemati*, 1(1), 11–27. (In Persian)
- Arshadi, V., & Tanhaei Moghadam Golshikhi, R. (Eds.). (1403). *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati*. Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Aspalter, C. (2006). Towards a more people-centered paradigm in social development. *Asian Journal of Social Policy*, 3(1), 1-22. <https://doi.org/10.1017/S1447094100001282>
- Bagheri, Chit Sazian, Yavari, & Vahid. (1400). Bazkhani-ye nezam-e masayel-e hokmrani-ye marate' dar Jomhuri-ye Eslami Iran dar rasta-ye tahaghogh-e siyasat-haye kol-e asle 44 qanon-e asasi. *Cheshmandaz-e Modiriyat-e Dolati*, 12(4), 70–89. (In Persian)
- Bräutigam, D. (2004). The people's budget? Politics, participation and pro-poor policy. *Development Policy Review*, 22(6), 653–668. <https://doi.org/10.1111/j.1467-7679.2004.00270.x>
- Bruni, L., & Zamagni, S. (2007). *Civil economy: Efficiency, equity, public happiness*. Peter Lang.
- Central Bank of Iran. (1401). Annual report on banking facilities. Tehran: Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (In Persian)
- Cooperative Organization of Iran. (1400). *Gozarsh-e amalkard-e bakhsh-e ta'avoni dar eqtesad-e Iran*. Tehran: Cooperative Organization of Iran. (In Persian)
- Crawford-Lee, M., & Hunter, J. (2009). Supporting local entrepreneurship: Policies and impacts. *Journal of Economic Development*, 34(2), 45–60.
- Dahl, R. A. (1985). *A preface to economic democracy*. University of California Press.
- Davoodi, P. (1403). Mosharekat-e mardom va bakhsh-e khosusi dar khadamat-e qaza'i. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati* (pp. 431–452). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Democracy Collaborative. (2026). Community wealth building: The path towards a democratic and reparative political economic system. <https://www.democracycollaborative.org>
- Derakhshan, M. (1401). Mardomi-sazi eqtesad: Rahkar ya negah-e joz'i? *Puyesh-e Fekri-ye Tose'e*, (5), 30–50. (In Persian)

- Derakhshan, M. (1402). Mavane'-e mardomi-sazi eqtesad dar Iran: Tahlil-e sakhtari va rahkarha. Nashrieh-e Eqtesad-e Paydar, 18(1), 23–40. (In Persian)
- Derakhshan, M., & Nasrollahi, Kh. (1393). Tahlil-e asar-e tose'e-ye bakhsh-e sevom eqtesad ba neshanhaye eqtesadi va rahkarhaye tose'e an dar Iran. Eqtesad-e Eslami, 55(14), 61–88. (In Persian)
- Eisavi, M. (2026). Economics as Ideology: A Critical and Comparative Review of Mainstream and Islamic Economics. Interdisciplinary Studies in Economics, 2(2), 29-51. (In Persian)
- Ellen MacArthur Foundation. (2022). Towards a circular economy: Business rationale for an accelerated transition. <https://www.ellenmacarthurfoundation.org>
- Esmaeilpour, T., Nazarian-Mofid, M. T., Sheikhi, S., Nodeh-Farahani, A., Abdolhossein-zadeh, M., & Karimi-Fard, H. (1402). Daramadi bar hokmrani-ye mardomi. Gozarsh-haye karshenas (Majma'-e pazhohesh-haye majles), 154(31), 350–376. (In Persian)
- Ferrante, F. (2022). Legal frameworks and entrepreneurial incentives. Journal of Economic Policy, 38(2), 45–60.
- Garri, M., Beynon, M., Kim, J. Y., & Pickernell, D. (2026). Explaining Chinese FDI in Africa: A longitudinal configurational approach integrating policy influences to traditional FDI motivations. Management International Review, 1-37.
- Gomez, J. H. (2013). Solidarity economy as a pathway to inclusion for marginalized communities. Journal of Cooperative Economics, 18(1), 76–94.
- Hahnel, R. (2022). A participatory economy. AK Press.
- Hassani, M., & Hosseini, S. (1395). Tabyin-e farayand-e mosharekat-e mardomi dar shekl-giri olgu-ye defa'-e eqtesadi az Jomhuri-ye Eslami Iran. In Majmu'eh-ye maqalat-e defa'-e eqtesadi. (In Persian)
- Hassani, M., & Hosseini, S. (1395). Tahlil-e asle 44 qanon-e asasi va naghsh-e an dar mardomi-sazi eqtesad. Faslname-ye Motale'at-e Eqtesadi, 12(3), 45–67. (In Persian)
- Hassani, M., & Hosseini, S. H. (1395). Imam, mardom, eqtesad: Tabyin-e olgu va meyar-haye eqtesad-e mardom-mahvar motabeg bar andishe-ye Imam Khomeini (RA). Tehran: Center for Research, Basij, Imam Sadegh University. (In Persian)
- Heydari, M. R., & Derakhshan, M. (1403). Barrasi-ye mekanism-haye angizeshi baraye mardomi-sazi eqtesad. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati (pp. 22–58). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Heydari, M., & Derakhshan, M. (1395). Tahlil-e kargardihaye bakhsh-e sevom (omur-e kheyr va nikukari) dar tose'e eqtesadi va eshteghal. In Majmu'eh-ye maqalat-e Avalin Hamayesh-e Melli Kheyrmandegar. (In Persian)
- Heydarkhani, H., Kalantari, A. H., & Mohabi, S. (1396). Barrasi-ye naghsh-e sarmayeh-e ejtemai dar gerayesh-e mardom be olgu-haye eqtesad-e moqavemati dar shahr-e Kermanshah. Motale'at-e Olgu-ye Pishraft-e Eslami-ye Irani, 5(9), 85–112. (In Persian)

- Hosseini, S. H., & Mohabi, M. T. (1397). Naghsh-e bidari va khod-bavari-ye melli dar tahaghogh-e olgu-ye eqtesad-e moqavemati motabeg bar andishe-ye Imam Khomeini (RA). *Pazhohesh-haye Eqtesad-e Moqavemati*, 5(3), 9–32. (In Persian)
- Hosseini, S. H., Moalla, H., Karami, M., Yahyaei, A., & Mahmoudi, M. (2026). The presentation of a conceptual model of a people-centered economy based on the thought of the Leaders of the Islamic Revolution (RA). *Interdisciplinary Studies in Economics*, (), -. doi: 10.22091/ise.2026.14482.1079
- Hosseini, S. H., & Soleimani, M. (1398). Olgu-ye mosharekat-e mardom dar eqtesad ba ta'kid bar andishe-ye Imam Khomeini (RA). *Marefat-e Eqtesad-e Eslami*, 21(11), 131–150. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S. M., Tohidi-Nia, A., & Naderan, A. (1402). Tabyin-e mafhum-e eqtesad-e mardomi az manzar-e doghane-ye osolat-e fard va jame'e. *Motale'at-e Eqtesad-e Eslami*, 15(1), 25–52. (In Persian)
- Hosseini-Fard, S. M., Tohidi-Nia, A., & Naderan, A. (1403). Nahad-e ejtemaa' be mesabe sazman-dehi eqtesadi faray doghane-ye bazar va dolat. *Majles va Rahbord*, (in press). (In Persian)
- Iran Students' Polling Center. (1401). National survey on citizen economic participation. Tehran: ISPA. (In Persian)
- Jahaniyan, N. (1396). Waqf dar eqtesad-e mardom-mahvar. In Center for Economic Studies, Basij, Imam Sadegh University (Ed.), *Goftar-ha dar eqtesad-e mardom-mahvar* (Vol. 2, pp. 17–31). Tehran: Center for Economic Studies, Basij, Imam Sadegh University. (In Persian)
- Jalil, M. A., Khan, A., & Sohail, M. (2021). Digital infrastructure and economic participation. *Technology in Society*, 67, 101789. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2021.101789>
- Johnson, L. (2022). People-centered economics: Theory and practice. *International Journal of Social Economics*, 49(3), 200–220.
- Joneidi Jafari, M., & Salimi, G. (1403). Naghsh-e mardom dar eqtesad az manzar-e Rahbar. *Pazhohesh-haye karbordi eqtesad-e moqavemati*, 1(1), 127–168. (In Persian)
- Karimi, A. (1400). Barrasi-ye mavane'-e farhangi- ejtemai-ye mardomi-sazi eqtesad dar Iran. Master's thesis, University of Tehran. (In Persian)
- Karimi, A. (1400). Barrasi-ye mavane'-e farhangi-ye mosharekat-e eqtesadi dar Iran. *Faslname-ye Motale'at-e Ejtemai*, 15(2), 89–110. (In Persian)
- Kawano, E., Masterson, T. N., & Teller-Elsberg, J. (2010). *Solidarity economy I: Building alternatives for people and planet*. Center for Popular Economics.
- Kelly, M., & McKinley, S. (2015). *Cities building community wealth*. The Democracy Collaborative.
- Korten, D. C. (2015). *When corporations rule the world* (3rd ed.). Berrett-Koehler Publishers.
- Lajvardi, S. A., Tohidi-Nia, A., & Rezaei-Sadrabadi, M. (2016). Barrasi-ye naghsh-e sanduq-e tose'-e melli dar tahaghogh-e edalat-e eqtesadi. *Motale'at-e Eqtesad-e Eslami*, 8(1), 91–120. (In Persian)
- Lipsky, J., & Chhangani, A. (2024). Iran's economic challenges: Privatization gaps and structural barriers to private sector growth. *Atlantic Council GeoEconomics Review*, 12(3), 45–67.

- Mahdavi-Sirat, K., Saeidi, H. F., & Seyed Amirhossein. (2025). Emkan-senasi-ye mardomi-sazi san'at-e khodro dar Jomhuri-ye Eslami Iran. *Motale'at-e Beyn-Resht-e'i Eqtesad*, 1(4), 100–123. (In Persian)
- Mahdavi Sirat, K., saeedy, A., & Hosseini Firoozkalaei, S. A. (2025). The feasibility of popularizing the automobile industry in the Islamic Republic of Iran. *Interdisciplinary Studies in Economics*, 1(4), 100-123. (In Persian)
- Majles Research Center. (1401). Analysis of investment situation and capital flight. Tehran: Majles Research Center. (In Persian)
- Masoumi-Nia, G. (1404). Barrasi-ye feghi-ye eqtesad-e mardomi dar taqabol ba hakoomat-e bakhsh-e khosusi-ye sarmaye-salar. *Motale'at-e Beyn-Resht-e'i Eqtesad*, 1(3). (In Persian)
- Mathie, A., Cameron, J., & Gibson, K. (2017). Asset-based and citizen-led development: Using a diffracted power lens to analyze the possibilities and challenges. *Progress in Development Studies*, 17(1), 54-66. <https://doi.org/10.1177/1464993416674302>
- Mattassoglio, F. (2024). Central Bank Digital Currencies: What Future for Banks and Other Financial Intermediaries?. In *Digital Assets and the Law* (pp. 331-344). Routledge.
- Mendieta-Aragón, A., Rodríguez-Fernández, L., & Navío-Marco, J. (2025). Tourism usage of digital collaborative economy platforms in Europe: Situation, behaviours, and implications for the digital policies. *Telecommunications Policy*, 49(1), 102874.
- Micelli, E., Ostanel, E., & Lazzarini, L. (2023). The who, the what, and the how of social innovation in inner peripheries: A systematic literature review. *Cities*, 140, 104454.
- Miller, E. (2010). Solidarity economy: Key concepts and issues. In E. Kawano, T. N. Masterson, & J. Teller-Elsberg (Eds.), *Solidarity economy I: Building alternatives for people and planet* (pp. 25-41). Center for Popular Economics.
- Ministry of Economic Affairs and Finance. (1401). Annual report on economic policies. Tehran: Ministry of Economic Affairs and Finance. (In Persian)
- Montero, J. (2021). Participatory tax systems and economic inclusion. *Public Finance Review*, 49(4), 321–340.
- Motavasseli, M., & Mohammadim, S. Hossein Abbasi-Nejad (2004). Economic Growth as a Nonlinear and Discontinuous Process. *Iranian Economic Review (IER)*, 9(10), 15-38.
- Mustafa, S., & Meer, J. (1999). Skill-based training and employability. *Education and Training*, 41(6), 278–285.
- Nouri, M., & Ahmadi, R. (1401). Naghsh-e fanavari-haye digital dar tas'hil-e mosharekat-e mardomi dar eqtesad. *Motale'at-e Modiriyat-e Fanavari-ye Etelaat*, 8(3), 45–72. (In Persian)
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: The evolution of institutions for collective action*. Cambridge University Press.

- Payandeh, Ansari-Moghadam, & Hamidiya. (1403). Az qanon ta novavari: Arzyabi-ye abzar-haye qanon-e jahesh-e toolid-e danesh-bonyad dar Iran. *Cheshmandaz-e Modiriyat-e Dolati*, 15(4), 31–55. (In Persian)
- Peighami, A. (1393). *Mardomi-sazi eqtesad va naghsh-e mardom dar tasmim-giri eqtesadi*. Tehran: Eqtesadi Publications. (In Persian)
- Perez Fernandez, D. (2002). Participatory resource management in economic systems. *Economic Development Quarterly*, 16(3), 234–245.
- Pishvaei, M., Mousavi, A., & Salsabil, M. (1396). *Model-haye kasb-o-kar-e eqtesad-e mardomi*. Qom: Al Ahmad Publications. (In Persian)
- Ramos Gonzalez, C. (2011). Cooperatives and participatory economies: A model for social inclusion. *Cooperative Studies Journal*, 15(2), 89–113.
- Ranjbaran, R., Rajabi, S., & Ghiathi, H. (1400). *Eqtesad-e mardom-mahvar*. Tehran: Imam Sadegh University. (In Persian)
- Rastegari, Sh., Babaei-Fard, As., & Niazi, M. (1403). Dark-e tajrobe-ye zeyn-e-nof'ahan az farayand-e khosusi-sazi dar Iran. *Jame'e-Shenasi-ye Karbordi*, 35(2), 69–100. (In Persian)
- Razmi, S. M. J., & Dertoumi, A. (1403). Hemayat az kasb-o-kar-haye koochak va motavasset dar jahate mahvuriyat-e mardom dar eqtesad (tajrobe-ye barkhi keshvarha-ye jahan). In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati* (pp. 303–341). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Rezaei, H. (1403). Bi-sabt-e bazar va chalesh-haye roshd-e eqtesadi dar Iran: Barrasi-ye avamel-e bikari va kasri budje. *Majale-ye Motale'at-e Siyasat-gozari Eqtesadi*, 18(1), 112–135. (In Persian)
- Rothschild, J. (2016). The logic of a co-operative economy and democracy 2.0: Recovering the possibilities for autonomy, creativity, solidarity, and common purpose. *The Sociological Quarterly*, 57(1), 7-35. <https://doi.org/10.1111/tsq.12138>
- Saeidi, A. (1403). Emkan-senasi-ye mardomi-sazi-e san'at-e naft dar Iran. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati* (pp. 403–431). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Sarkar, S. (2016). Crowdfunding as a tool for economic democratization. *Entrepreneurship Review*, 12(4), 89–102.
- Schensul, D. (2020). Institutional capacity in cross-sectoral collaborations: Overcoming challenges to build effective partnerships. *Journal of Organizational Studies*, 33(4), 477–491.
- Schweickart, D. (2011). *After capitalism* (2nd ed.). Rowman & Littlefield Publishers.
- Sepehr-Doost, H., & Zamani Shabkhaneh, S. (1394). Barrasi-ye naghsh-e ta'avoni-ha dar ijad-e angizeh-haye mosharekat-i va tose'e-e eqtesadi. *Motale'at-e Melli*, 63(16), 121–144. (In Persian)

- Seyed Ashraf Mousavi Loghmani, & Pishvaei, M. (1403). Tabyin-e osul-e dideman-e eqtesad-e mardomi va rahkar-haye tazmin-e tahaghogh tavasot-e hakoomat. Pazhohesh-haye karbordi eqtesad-e moqavemati, 1(1), 93–126. (In Persian)
- Seyed-Hosseini-zadeh, S., & Hosseini, S. A. (1403). Dalalat-haye maktab-e Ordoliberalism-e Almani baraye mardomi-sazi eqtesad. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati (pp. 59–95). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Seyfloo, S. (1403). Charekh-e mafhumi-ye mardom-mahvari dar eqtesad-e moqavemati. Pazhohesh-haye karbordi eqtesad-e moqavemati, 1(1), 28–63. (In Persian)
- Sheikhi, S. (1402). Barrasi-ye mavane'-e hokmrani-e mardomi dar Iran va araye rahkar-hayi baraye ertegha-ye naghsh-e mardom dar hokmrani. Gozarsh-haye Karshenas (Majma'-e Pazhohesh-haye Majles), 154(31), 840–863. (In Persian)
- Smith, J., & Brown, A. (2021). Participatory economics in the Middle East: Challenges and opportunities. *Journal of Economic Development*, 46(3), 123–140.
- Soheili, & Nafisi Moghadam. (2025). Baravord-e shanakht-e tose'-e-ye ta'avoni-ha-ye toliidi be onvan-e yeki az nahad-haye eqtesad-e moqavemati va avamel-e eqtesad-e kolan mo'aser bar an: Ravesh-e mantiq-e fazi va panel data. *Motale'at-e Eqtesad-e Eslami*. (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (1401). Annual report of economic and social indicators. Tehran: Statistical Center of Iran. (In Persian)
- Sukoco, J. B., Wijaya, A. F., Mindarti, L. I., & Nuh, M. (2024). Environmental Impact of Community-Based Waste Management Study in Plosojenar Village, Ponorogo Regency. *JPAP: Jurnal Penelitian Administrasi Publik*, 10(1), 1-11.
- Tanhaei Moghadam, R. (1404). Mardom-salari eqtesad dar tahlil-e enteghadi-ye naghsh-e mardom dar maktab-e Ordoliberalism-e Almani va araye charkh-o-barname baraye eqtesad-e mardomi. Doctoral dissertation, Imam Sadegh University, Tehran. (In Persian)
- Teixeira, E. G., Marconatto, D. A. B., & Dias, M. F. P. (2021). Solidarity economy cooperatives: The impact of governance and gender on member income. *Nonprofit Management and Leadership*, 31(4), 631-652. <https://doi.org/10.1002/nml.21480>
- Tohidi-Nia, A. (1403a). Eqtesad-e mardom-bonyan-e eslami: Mabani-ye nazari va feghhi (Vol. 1). Tehran: Imam Hossein Comprehensive University Press. (In Persian)
- Tohidi-Nia, A. (1403b). Eqtesad-e mardom-bonyan-e eslami: Mabhas-e karbordi va eqtesad-e Iran (Vol. 2). Tehran: Imam Hossein Comprehensive University Press. (In Persian)
- United Nations. (2015). Transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development. <https://sdgs.un.org/2030agenda>
- Utting, P. (2017). Public policies for social and solidarity economy: Assessing progress in seven countries. International Labour Office.
- Van Griethuysen, P., et al. (2015). Human-centered economics: Toward equity, justice, and solidarity. *Critical Economic Studies*, 20(5), 321–340.

- Warfield, J. N. (1973). On arranging elements of a hierarchy in graphic form. *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernetics*, 3(2), 121–132.
- Wentworth, C., Arroyo, M. T., Lembi, R. C., Feingold, B. J., Freedman, D., Gray, S., ... & Yamoah, O. (2024). Navigating community engagement in participatory modeling of food systems. *Environmental Science & Policy*, 152, 103645.
- World Bank. (2020). Economic inclusion and participatory development. World Bank Publications.
- Zabihi, S. M. Q., Ghorayshi, S. H., Rezvanian, M., & Saeidi, A. (1403). Karbast-e mardomi-sazi energy-ha-ye tajdid-pazir ba naghsh-e mianjigari-ye tose'e-ye nirugah-ha-ye majazi. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati* (pp. 452–484). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)
- Zaribaf, S. M. (1396). Tafavothaye mardomi-sazi ba khosusi-sazi. In Center for Economic Studies, Basij, Imam Sadegh University (Ed.), *Goftar-ha dar eqtesad-e mardom-mahvar* (Vol. 1, pp. 101–130). Tehran: Center for Economic Studies, Basij, Imam Sadegh University. (In Persian)
- Zohourian, M. (1403). Tarahi-ye olgu-ye pishraft-e roostayi mardom-mahvar ba taki bar tajrobe-ye Jahad-e Sazandegi. In V. Arshadi & R. Tanhaei Moghadam (Eds.), *Majmu'eh-ye maqalat-e mardomi-sazi eqtesad va eqtesad-e moqavemati* (pp. 195–230). Mashhad: Research Institute of Islamic Studies in Humanities. (In Persian)